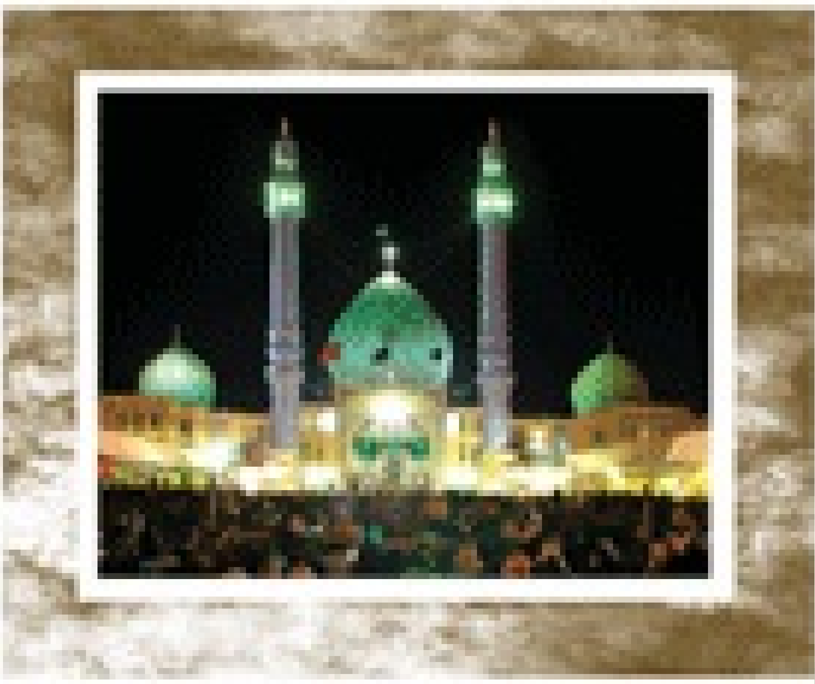


نیاز جهان به امام زمان

محمد مولوی

بسم الله الرحمن الرحیم

نیاز جهان به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نویسنده:

محمد مولوی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
نیاز جهان به امام زمان علیه السلام ----- ۹
مشخصات کتاب ----- ۹
اشاره ----- ۹
مقدمه ----- ۱۷
فصل اوّل: کلیات ----- ۱۹
اشاره ----- ۱۹
تعریف امامت ----- ۲۱
تفسیر واژه امام از دیدگاه شهید مطهری قدس سره ----- ۲۱
ضرورت و اهمیت امام شناسی ----- ۲۲
اشاره ----- ۲۲
الف: دلیل عقلی ----- ۲۲
ب: دلیل نقلی ----- ۲۳
فصل دوّم: اضطرار و نیاز ----- ۲۵
به حجّت الهی و امام معصوم علیه السلام ----- ۲۵
ضرورت امامت ----- ۲۷
اهداف حکومت ----- ۲۷
قلمرو حکومت ----- ۲۹
خالی نبودن زمین از حجّت خدا ----- ۳۱
امامان علیهم السلام ارکان زمین هستند ----- ۳۲
فصل سوم: عظمت امامت ----- ۳۵
اشاره ----- ۳۵
مقام امامت ----- ۳۷
نصب و انتخاب امام علیه السلام از جانب خداوند ----- ۳۸

امام علیه السلام پیوسته از الهام و امداد غیبی بهره مند است ---- ۳۹
امام علیه السلام شریک علم پیامبرصلی الله علیه وآله است ---- ۴۰
درک جایگاه امامت ---- ۴۱
اقرار به ولایت و امامت در عالم ذَر ---- ۴۲
کیفیت آفرینش ارواح شیعیان از ارواح ائمه علیهم السلام ---- ۴۳
فصل چهارم: اوصاف و ویژگی های امام علیه السلام ---- ۴۸
اوصاف و ویژگی های امام علیه السلام ---- ۴۸
امام علیه السلام دارای عصمت است ---- ۵۱
شایستگی بیعت در انحصار معصوم علیه السلام ---- ۵۳
امام علیه السلام یگانه زمان خود ---- ۵۵
کیفیت انتقال منصب امامت، از امام قبل به امام بعد ---- ۵۶
امام پیشین علیه السلام به امر خدا امام بعد را معرفی می کند ---- ۵۷
نحوه آگاهی امام علیه السلام از درگذشت امام قبل از خود ---- ۵۸
علم امام علیه السلام همیشگی است ---- ۵۹
جهات سه گانه علم امام علیه السلام ---- ۶۰
امام علیه السلام هرگاه بخواهد چیزی را بداند، خدا به او می آموزد ---- ۶۱
علم و قدرت فوق العاده امام علیه السلام و مظلومیت او ---- ۶۱
تقیه امام علیه السلام برای رعایت حال شیعیان ---- ۶۳
فصل پنجم: شأن و منزلت امام علیه السلام ---- ۶۶
اشاره ---- ۶۶
امام علیه السلام ناظر و شاهد بر خلق ---- ۶۸
امام علیه السلام وارث همه انبیاعلیهم السلام است ---- ۷۱
امام علیه السلام به همه کتب آسمانی به هر زبانی که باشد آگاهی دارد ---- ۷۳
امام علیه السلام مخاطب وحی و حامل قرآن است ---- ۷۴
امام علیه السلام مترجم حقیقی وحی الهی ---- ۷۵
امام علیه السلام ولی امر خدا و خزانه دار علم اوست ---- ۷۷

وجوب اطاعت امام علیه السلام ---- ۷۷
فصل ششم: آثار امامت ---- ۸۰
آثار امامت ---- ۸۰
استقرار و ثبات زمین به برکت وجود امام علیه السلام ---- ۸۳
امام علیه السلام واسطه فیض الهی ---- ۸۳
اعجاز و کرامت امام علیه السلام ---- ۸۴
امام علیه السلام هدایت گر انسان ها ---- ۸۶
ا+مام علیه السلام حجّت خدا بر خلق ---- ۸۷
نتیجه کوتاهی در شناخت و پذیرش امام علیه السلام ---- ۸۸
فصل هفتم: امامت مهدی موعودعلیه السلام ---- ۹۰
اشاره ---- ۹۰
پیشینه مهدی باوری ---- ۹۲
«مهدی باوری» ایده فرا اسلامی و جهانی ---- ۹۲
توضیح ---- ۹۲
الف) کتب مقدس یهودیان ---- ۹۶
ب) اناجیل نصاری ---- ۹۷
ج) کتب مقدس زردشتیان ---- ۹۷
سیمای مهدی موعودعلیه السلام در آیینه ثقلین ---- ۱۰۰
منجی موعود در قرآن ---- ۱۰۰
مهدی موعودعلیه السلام در احادیث ---- ۱۰۴
راویان احادیث المهدی علیه السلام از صحابه ---- ۱۰۴
اِخبار معصومین علیهم السلام از مهدی موعودعلیه السلام ---- ۱۰۵
ولادت حضرت مهدی موعودعلیه السلام ---- ۱۰۶
معرفی مهدی موعودعلیه السلام ---- ۱۰۷
کتابنامه ---- ۱۱۲
کتابشناسی ---- ۱۱۴

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران ---------- ۱۱۶

درباره مرکز ---------- ۱۲۸

نیاز جهان به امام زمان علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : مولوی، محمد، ۱۳۴۱

عنوان و نام پدیدآور : نیاز جهان به امام زمان علیه السلام: نگاهی اجمالی به احادیث کتاب الحجه اصول کافی/ محمد مولوی.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۱۰۶ ص.

شابک : ۹۰۰۰ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۱۴-۱ :

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : عنوان روی جلد: نیاز جهان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۰۳] - ۱۰۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : نیاز جهان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- احادیث

موضوع : مهدویت-- انتظار-- احادیث

موضوع : امامت -- احادیث

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP۱۴۱/۵ /م۹ م۸۳ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۹۲۸۹۴

ص:۱

اشاره

مقدمه

آیا مردم قدر و منزلت امام علیه السلام وجایگاه امامت را می دانند؟

برای دریافت این پاسخ، لازم است تا به بخشی از حدیث امام رضاعلیه السلام که در ضمن حدیث مفصلی آمده است توجّه، فرمایید:

إِنَّ الإِمَامَهَ أَجَلُّ قَدْراً وَأَعْظَمُ شَأْناً وَأَعْلَى مَكَاناً وَأَمْنَعُ جَانِباً وَأَبْعَدُ غَوْراً مِنْ أَنْ يبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ ينَالُوهَا بِآرَائِهِمْ أَوْ يقِيمُوا إِمَاماً بِاخْتِيارِهِمْ...؛(۱) همانا قدر و منزلت و جایگاه امامت، برتر و والاتر از آن است که با عقل و اندیشه عادی بتوان آن را شناخت یا با رأی و نظر مردم آن را به دست آورد یا به تعیین و انتخاب مردم آن را تعیین کرد... .

اما باید توجه داشت، این مطلب نباید موجب آن شود که انسان به دنبال شناخت امام علیه السلام و امامت در حدّ عقل و توان خویش نرود؛ بلکه وظیفه ایجاب می کند هر انسان عاقل و مکلّف در حدّ وسع خود در پی امام شناسی که اصلی از اصول دین است برود.

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنم سر انگشت و صفحه بشارم

۱- ۱. اصول کافی، ج ۱، ح ۵۱۸.

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم بقدر تشنگی باید چشید

بنابراین در کتاب حاضر، به مباحثی درباره تعریف امامت، ضرورت و اهمیت امامت و امام شناسی، آثار امامت، اوصاف و ویژگی های امام علیه السلام، شؤون امام علیه السلام و... با الهام گیری از احادیث وارده از معصومین علیهم السلام در کتاب «الحجّه» که در زمان غیبت صغری تألیف شده و از اعتبار خاصّی برخوردار است، پرداخته و روایات مربوطه را مورد بررسی قرار می دهیم.

کتاب «الحجّه» بیش از ۱۳۰ باب دارد، که حاوی ۱۰۱۵ حدیث از معصومین علیهم السلام می باشد.(۱)

امید است بیش از همه برای نگارنده در معرفت امام عصرعلیه السلام، مفید واقع شود، ان شاء اللَّه.

حافظ از دست مده دولت این کشتی نوح

ورنه طوفان حوادث ببرد بنیادت

وَالْحَمْدُللَّهِ رَبِّ الْعالَمِین

محمّد مولوی

ص:۱۰

۱- ۲. همان، ج ۱، ص ۲۳۶ تا آخر کتاب، و ج ۲، از ابتدا تا انتها {ص (۵۰۵}، مربوط به کتاب الحجّه است.

فصل اوّل: کلیات

اشاره

ص:۱۱

تعریف امامت

راغب در «کتاب مفردات» واژه «امام» را چنین تفسیر کرده است:

«اَلِامام المُؤتَمُّ بِهِ اِنْساناً کانَ یقْتَدِی بِقَوْلِهِ اَوْ فِعْلِهِ، اَوْ کِتاباً اَوْ غَیر ذلِکْ، مُحِقّاً کانَ اَوْ مُبْطِلاً، وَجَمْعُهُ اَئِمَّه»؛(۱)

«امام عبارت است از چیزی که می بایست پیروی شود، حال تفاوتی نمی کند که آن چیز، انسان باشد که از لحاظ گفتار و یا کردار مورد پیروی قرار گیرد و یا این که کتاب و یا چیز دیگر باشد. همچنین در صدق این واژه تفاوت نمی کند که آنچه مورد پیروی قرار می گیرد، حق باشد و یا باطل...»(۲)

تفسیر واژه امام از دیدگاه شهید مطهری قدس سره

«کلمه «امام» یعنی پیشوا، کلمه «پیشوا» در فارسی، همان ترجمه تحت اللّفظی کلمه «امام» در عربی است.

خود کلمه امام یا پیشوا مفهوم مقدّسی ندارد. پیشوا یعنی کسی که پیشرو است و عدّه ای تابع و پیرو او هستند. اعم از آن که آن پیشوا، عادل و راه یافته و درست رفتار باشد یا باطل و گمراه.

در این زمینه، قرآن کلمه امام را در هر دو مورد اطلاق کرده است:

ص:۱۳

۱- ۳. مفردات راغب، ص ۲۴.

۲- ۴. فلسفه امامت و رهبری، ص ۹.

در یک جا می فرماید: «وَجَعَلْناهُمْ اَئِمَّهً یهْدوُنَ بِاَمْرِنا وَاَوْحَینا اِلَیهِمْ...»؛(۱)

«و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می کنند...».

و در جای دیگر می فرماید: «وَجَعَلْناهُمْ اَئِمَّهً یدْعُونَ اِلی النّارِ وَیوْمَ الْقیامَهِ لاینْصُرون...»؛(۲)

«و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش (دوزخ) دعوت می کنند...».

پس کلمه امام یعنی پیشوا...».(۳)

بابی نیز در همین خصوص؛ که پیشوایان دو دسته اند(پیشوای نور و پیشوای آتش) در کتاب کافی است که دو حدیث در این مورد اختصاص داده شده است.(۴)

ضرورت و اهمیت امام شناسی

اشاره

امامت در مکتب تشیع، اهمیت ویژه ای دارد و به عنوان یک اصل اساسی، در عقاید پیروان این مکتب، مطرح می گردد.

به دو دلیل عقلی و نقلی، تحقیق برای شناخت امام علیه السلام از واجبات است؛

الف: دلیل عقلی

«تحقیق برای شناختن امام علیه السلام از این جهت واجب و لازم است که حداقل هر کس این احتمال را می دهد که خدای متعال برای رهبری مردم، پس از پیامبرصلی الله علیه وآله شخصی را تعیین و اطاعت از او را واجب کرده باشد.

۱- ۵. سوره انبیاء، آیه ۷۳.

۲- ۶. سوره قصص، آیه ۴۱.

۳- ۷. امامت و رهبری، ص ۴۶.

۴- ۸. اصول کافی، ج ۱،ص ۳۱۳، ح ۵۶۱،۵۶۲.

بـا این احتمـال، به حکم عقـل موظّفیم پیرامون آن به تحقیق بپردازیم و او را شـناسایی نمـاییم؛ زیرا اگر در این وظیفه مسـامحه کنیم، و چنین شخصـی وجود داشته باشد و ما او را نشناخته باشیم، عذری نخواهیم داشت، پس الزام عقلی و وجدانی داریم که دنبال این احتمال را بگیریم تا به نفی یا اثبات آن برسیم.

همین بیان، در لزوم تحقیق برای شـناخت خداونـد و پیامبراعظم صـلی الله علیه وآله نیز جاری است، و هیـچ کس از این که در برابر این گونه مسائل بی تفاوت بماند معذور نیست و باید برای هریک از پرسش های ذیل پاسخ داشته باشد:

۱- صاحب این جهان و آفریننده آن کیست؟

۲- زنـدگی و حیات، و به طور کلی عالم هستی پوچ و لغو و باطل و ناامیـد کننده آفریده شده یا با محتوا، برحق و امیدبخش و در مسیر بقا و کمال قرار دارد؟

۳- خـدا بنـدگان را با همه نیازی که به هـدایت و راهنمایی دارند چگونه هدایت کرده است، آیا به همان هدایت های عقلی و فطری اکتفا نموده، یا علاوه بر آن پیامبرانی را با برنامه های اعتقادی، اخلاقی و عملی برای هدایت آنان فرسـتاده و با این کار، لطفش را برای آنان کامل کرده است؟

۴- آیا برای رهبری بعد از پیامبرصـلی الله علیه وآله، افرادی را معین کرده است؟ و اگر معین کرده، افراد تعیین شده چه کسانی هستند؟

این پرسش ها خودبخود برای هر انسانی مطرح می شود؛ گرچه کسی او را متوجه به این سؤالات نکند.

ب: دلیل نقلی

در مورد لزوم شناخت امام علیه السلام قرآن و احادیث نیز دلالت و صراحت دارند.

قرآن کریم می فرماید:

«یا أَیهَا الَّذِینَ امَنُوا اَطِیعُوا اللَّهَ وَاَطِیعُوا الرَّسُولَ وَاُولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ»؛(۱)

«ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را اطاعت کنید و پیامبرصلی الله علیه وآله و اولی الامرعلیه السلام را نیز اطاعت کنید».

روشن است طبق این آیه اطاعت از ولی امر واجب است، و این کار بدون شناخت او ممکن نیست، از این رو شناختن امام علیه السلام که همان ولی امر است واجب می باشد، و هیچکس در ترک شناخت و معرفت امام علیه السلام معذور نیست.

در احادیث نیز از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده است که فرمودند:

«مَنْ ماتَ لایعْرِفُ اِمامَهُ ماتَ مِیتَهً جاهِلِیهً»؛(۲)

«هر کس بمیرد در حالی که امام خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است».

از این روایت که به تعبیرهـای مختلف و بـا سـند مطمئن در کتاب های حـدیث ضـبط شـده است لزوم تحقیق پیرامون امام علیه السلام و شناخت او به خوبی استفاده می شود».(۳)

قطع این مرحله بی همرهی خضر مکن

ظلمات است بترس از خطر گمراهی(۴)

ص:۱۶

۱- ۹. سوره نساء، آیه ۵۹.

۲- ۱۰. کلینی قدس سره، محمّد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۸، ح ۹۷۱، {کتاب الحجّه}.

۳- ۱۱. استادی، رضا، امامت، ص ۱۱، درس دوم.

۴- ۱۲. حافظ.

فصل دوّم: اضطرار و نیاز

به حجّت الهی و امام معصوم علیه السلام

ص:۱۷

سفید

ص:۱۸

ضرورت امامت

«امام علیه السلام شؤونی دارد(۱) که یکی از آن ها، پیشوایی و رهبری جامعه است. امامت که همان پیشوایی و جلوداری است، طرح سیاسی شیعه برای اداره جامعه است. در نگاه شیعه؛ آدمی، هم چنان که نیاز به وحی دارد، نیاز به امام معصوم علیه السلام نیز دارد.

این اضطرار و ضرورت از راه های مختلفی قابل استدلال است. آنچه در اینجا آورده می شود، نگاه به این مسأله از منظر دیگری است. در این نگاه، ضرورت امامت و اضطرار به حجّت از دو طریق دیگر بررسی شده است؛ نخست، اهداف حکومت و دیگری، قلمرو حکومت.

اهداف حکومت

امروزه اهداف حکومت ها، در آزادی و امنیت ظاهری و رفاه و بهداشت و آموزش خلاصه می شود. اگر اهداف حکومت ها فقط همین ها باشد، احتیاجی به امامت و رهبری از دیدگاه شیعه نیست و همان شورا و انتخاب، راه گشا است؛ اما اگر اهداف حکومت را رشد انسان ها در تمامی ابعاد و استعدادها بدانیم یعنی همان که قرآن گوشزد می کند،(۲) تا این که به آدمی

۱- ۱۳. آن ها وسیله هدایت، بیان، امن، کرامت، نور، فلاح، ذکر، رحمت و بشارت هستند. آن ها شهداء، هداه، ولاه، مبشر، نذیر، فرمان فرما، معلم و حامل وحی هستند. ر.ک؛ اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجه، ترجمه، سید جواد، مصطفوی، صص ۲۸۳ - ۲۹۰، ح ۵۱۸.

۲- ۱۴. قرآن کریم:«وَهَیی ءْ لَنا مِنْ أَمْرِنَا رَشَداً{کهف،(۱۰}»؛ «اَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَداً(جن،۱۰.»

بیاموزنـد که چگونه با حواس، احساس، فکر، عقل و خیال خود برخورد کنـد و به او هـدایت قرآن را ارزانی کنند و او را برای تمامی راه های کمال آماده سازنـد آن وقت چاره ای جز پیونـد با امامت شیعه و امام معصوم علیه السلام ندارد. این رهبری و سرپرستی، هـدفی بالاتر از امنیت و پاسـداری و بالاتر از رفاه و پرسـتاری دارد. این رهبری با هدف آموزگاری و شکوفا کردن استعدادهای انسان و با هدف تشکیل جامعه انسانی بر اساس قسط(۱) همراه است.

حکومت هـایی که جـامعه انسـانی را تـا سـرحد یک جامعه حیوانی پایین می آورنـد، نه تنها به وحی، کتاب، پیامبر و امام علیه السـلام نیازی ندارنـد بلکه عقل که قوه سـنجش و انتخاب است را لازم ندانسـته و معتقدند که وجود عقل هم لزومی نداشـته و تنها غرایز و تجربه برای انسان کافی است....

اگر اهـداف حکومت را هـدایت انسان در تمامی ابعادِ حس، فکر، عقل و روح او بـدانیم، آن وقت باید به کسـی روی بیاوریم که به این ابعـاد آگـاه و از تمـامی کشـش هـا و جـاذبه هـا آزاد است. و ترکیب آگـاهی و آزادی همـان عصـمتی است که در فرهنگ سیاسی شیعه مطرح است و عصمت، ملاک انتخابِ حاکمی است که مردم به آن راه ندارند؛ چون نه از دل ها آگاهند و نه بر فردا مسلّط هستند.

امـام علیه السـلام از مـا به مـا و مصالـح مـان آگـاه تر و مهربـان تر است. چون آگـاهی او شـهودی و وجودی است و محبّت او غریزی و محدود نیست.

ص:۲۰

---

۱ – ۱۵. قسط غیر از عـدل و بالاـتر از آن است. عـدل در برابر ظلم و قسـط در برابر جـور است. عـدل به معنـای مسـاوات و در شرایـط یکسـان، مسـاوی بر خورد کردن است و قسـط به معنـای بهره و نصـیب است... ر.ک؛ مجله انتظـار، ش ۱، ص ۶۴، پی نوشت، ۱۶.

قلمرو حکومت

قلمرو حکومت تا کجاست؟ آیا تنها در محـدوده خانه و جامعه و هفتاد سال زنـدگی دنیایی مان است یا در وسـعت هستی و تا بی نهـایت عُمر انسان می باشـد؟ اگر تنها در محـدوده دنیا باشـد، نه تنها هیـچ نیازی به امام علیه السـلام نیست بلکه به وحی و کتـاب و پیامبرصـلی الله علیه وآله هم نیـازی نیست؛ چون این محـدوده، نیاز به این همه اسـتعدادهای فردی و اجتماعی و عالی نـدارد بلکه غرایز انسـانی آن را کفایت می کنـد؛ امّا برای انسان نامحـدود و مرتبط با تمامی عوالم متیقّن چاره ای جز پیونـد با علومی که به تمامی این مجموعه آگاه باشد، نیست.

عُمْر آدمی همین هفتـاد سـال دنیـا نیست پس قلمرو حکومت بر آن وسـیع تر از آن و خـانه و جـامعه و دنیـاست و حـاکمی می خواهد که بر این مجموعه آگاه باشد و بر این مجموعه مسلّط گردد.

واقعیت این است که انسـان در هستی و کـل نظام جهانی مطرح است. مسأله این است که انسان هم اسـتمرار دارد و هم در این استمرار اتصال و پیوند دارد، پیوندی با جامعه و کل نظام هستی.

این تنـگ چشـمی است که انسـان فقـط در محـدوده جـامعه و هفتاد سال دنیا مطرح شود، همین طرح غلط و محـدود است که دیدگاه او را در مسأله حکومت و رهبری محدود و تاریک می سازد. اگر این دید... را کنار بگذاریم و انسان را در کل هستی مطرح کنیم، ناچار این انسان با این پیوند و ارتباط به حکومتی نیاز دارد که هماهنگ با نظام هستی باشد و به حاکمی نیاز دارد که آگـاه به این نظـام باشـد و به قـانونی نیاز دارد منبعث از این نظام و واقعیت. این چنین حکومت و قانون و حاکمی، مردمی، انسانی، واقعی و حقیقی خواهد

ص:۲۱

بود. در این دیـد گاه و با این بینش وسـیع و مترقی است که طرح امامت شـیعه جان می گیرد و فهمیـده می شود. در این بینش، حکومت، امامت است و حاکم، امام معصوم و قانون، قانونی هماهنگ با کل نظام هستی.

خـدا برای انسـانی که در هستی طرح شـده و بـا کـل نظـام رابطه دارد، حاکمی انتخاب کرده که او را با ملاک عصـمت، یعنی آگاهی و آزادی همراه ساخته است تا در هر دوره، آن ها که می خواهند به پا خیزند و مهره هایش را فراهم سازند.

امـامت، طرح آن هایی است که در این چهار چوب دنیا نمانـده انـد و انسان را در جایگاه والای اشـرف مخلوقات مطرح کرده انـد و امـام علیه السـلام جلودار کسـانی است که جلوتر از زمـان را می خواهنـد. چون امـام علیه السـلام براساس واقعیت هایی، حکومت و رهبری می کنـد که هنوز علوم انسـانی آن را کشف نکرده انـد و جلوتر از علم و زمان و آگاهی انسان است؛ چون وجود چنین امامی ضرورت دارد. پس وجود دارد و چنین امامی را تو باید بشناسی و زمینه ساز آمدنش باشی.

با این بینش، تولـد چنین امامی یک ضـرورت است، حتی اگر تمامی تاریـخ بر آن بشورند و تمامی قدرت ها و حکومت هایی که در چارچوبه منافع خویش و یا در محدوده هفتاد سال دنیا حکمران هستند و انسان ها را به بیگاری کشیده اند و آن ها را تا سر حدّ یک جامعه دام پروری به ابتذال کشانده اند و در مداری بسته به چرخ انداخته اند، آن را نخواهند.

این امام ضرورت دارد پس وجود دارد.

ما تولد چنین امامی را پیش از آن که از دهان تاریخ و شهادت تاریخ

بشنویم، از شهادت همین ضرورت شنیده ایم و باور کرده ایم که انسان در این هستی، پیوند و رابطه دارد و به این رابطه ها آگاهی ندارد. پس رسالتی می خواهد و امامتی؛ رسالتی که قانون این رابطه ها را بیاورد و امامتی که در هر نسل جلودار آن ها و امام زمان شان باشد.

کسانی که این گونه ضرورت نیاز به ولی را احساس کرده اند، می توانند از جان و مال خود در راه این حق عظیم و پیمان الهی بگذرند و هستی خود را فدای امام علیه السلام کنند... که بدون ولی، زندگی محدود و کور است و با وجود او مرگ، استمرار و حیاتی جاوید است.(۱)

این بینش، آثار زیادی دارد و نه تنها بر انتظار ما از حجّت و انتظار ما برای حجّت مؤثر است که بر تربیت و اخلاق و سیاست و حقوق و اقتصاد نیز تأثیرگذار است و تربیت و اخلاق دیگری را می طلبد...».(۲)

به لحاظ اهمیت موضوع، اوّلین باب کتاب الحجّه اصول کافی نیز با عنوان «بابُ اْلاِضْطِرارِ إِلَی الحُجَّهِ» نام گذاری شده، و در این زمینه احادیثی استدلالی و مفصل در این باب آورده شده است..(۳)

خالی نبودن زمین از حجّت خدا

وجود امام علیه السلام و حجّت خدا همیشگی است؛ تا جهان باقی باشد و انسانی وجود داشته باشد، حتماً امامی از جانب خدا در آن وجود خواهد داشت.بنابراین جهان هستی هرگز حتّی برای لحظه ای بدون امام معصوم علیه السلام و حجّت نخواهد بود.

ص:۲۳

۱- ۱۶. مَنْ ماتَ عَلی حُبِ ّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِیداً». بحارالانوار ج ۶۵، ص ۱۳۷، به نقل از مجله انتظار، ش ۱، ص ۶۴.

۲- ۱۷. پور سید آقایی، مسعود، مقاله مبانی اعتقادی مهدویت {(۱}، مجله انتظار، ش ۱، صص ۵۴، ۶۴.

۳- ۱۸. اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجّه، صص ۲۳۶ - ۲۴۵، ح ۱ - ۵.

امام باقرعلیه السلام می فرمایند:

«لَوْ اَنَّ اْلِامامَ رُفِعَ مِنَ اْلأَرْضِ سَاعَةً لَماجَتْ بِأَهْلِها كَما يَمُوجُ الْبَحْرُ بِاَهْلِهِ»؛(۱)

«اگر لحظه ای زمین بی امام علیه السلام بماند، زمین با اهلش مضطرب گردد و همانند دریای مواج و ناآرام خواهد شد».

سیر سپهر و دور قمر را چه اختیار؟

در گردشند بر حسب اختیار دوست

«حافظ»

در این خصوص نیز بابی در کتاب شریف کافی، آمده که دارای ۱۳ حدیث می باشد.(۲)

و در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است:

«لَوْ لَمْ يبْقَ فِى اْلأَرْضِ إلاَّ اِثْنانِ لَكانَ اَحَدُهُما الْحُجَّةَ»؛(۳)

«اگر در زمین جز دو نفر باقی نباشند یکی از آن دو امام علیه السلام و حجّت است».

و به همین مضمون چند روایت دیگر تحت بابی با عنوان حدیث فوق، نیز آمده است که در پاورقی ارجاع داده ایم.(۴)

امامان علیهم السلام ارکان زمین هستند

در اصول کافی بابی با همین عنوان باز شده، که شامل ۳ حدیث مفصل و جامع می باشد. در این باب به نقل از معصومین علیهم السلام آمده است: به آنچه

۱- ۱۹. همان، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۴۵۳، و روایت های ۴۴۲ - ۴۵۲، صص ۲۵۱ - ۲۵۳.

۲- ۲۰. همان، ج ۱، صص ۲۵۱ - ۲۵۳، روایت های ۴۴۳ - ۴۵۴.

۳- ۲۱. همان، ص ۳۵۳، ح ۴۵۵، و نیز ح ۴۵۷، فرموده آخرین فردی که می میرد امام علیه السلام است.

۴- ۲۲. همان، روایت های ۴۵۶ - ۴۵۹، ص ۳۵۳ و ۳۵۴.

علی علیه السلام آورده اطاعت و از آنچه نهی فرموده باز می ایستیم یعنی مطیع محض هستیم، هر فضیلتی که برای محمّدصلی الله علیه وآله باشد برای او نیز هست و هرکه بر علی علیه السلام خرده بگیرد بر خدا و رسولش صلی الله علیه وآله خرده گرفته، و هر کس در موضوعی کوچک یا بزرگ علی علیه السلام را رد کند در مرز شرک بخداست، امیرالمؤمنین علیه السلام باب منحصر خدا شناسی است و راه به سوی رسیدن بخداست، هرکه جز این راه را بپوید هلاک شود، و این امتیازات نیز برای ائمه هدی علیهم السلام یکی پس از دیگری جاریست. در ادامه روایت اوّل باب چنین آمده است:

«عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام قالَ:... جَعلَهُمُ اللَّهُ أَرْکانَ الْاَرْضِ أَنْ تَمِیدَ بِأَهْلِها وَحُجَّتَهُ الْبالِغَهَ عَلی مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّری و ...»؛(۱)

«مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند:... خداوند ایشان - ائمه علیهم السلام- را ارکان زمین قرار داده تا زمین اهلش را نجنباند (اختلال در نظام و سرگردانی عمومی پیش نیاید) و حجّت رسای خویش قرار داد برای مردم روی زمین و زیر خاک (مردگان یا ساکنان آنروی زمین)...».(۲)

*****

۱- ۲۳. همان، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۵۱۵، و نیز دو حدیث بعد.

۲- ۲۴. ر.ک؛ به کتاب مِرآهُ الْعُقول، علامه مجلسی رحمه الله، ج ۲، ص ۳۶۶، در شرح این حدیث و احادیث باب مطالب جالبی بیان فرمودند.

سفید

ص:۲۶

فصل سوم: عظمت امامت

اشاره

ص:۲۷

مقام امامت

این مقام منیع و رفیع، مربوط به یک استعداد و لیاقت ویژه ای است، که یک شایستگی خدادادی می باشد. و لذا اکتساب شخص، یا انتخاب و انتصاب مردم، در تحقق آن نقشی ندارد.

امام علی بن موسی الرّضاعلیه السلام در این خصوص می فرمایند:

«... مَخْصُوصٌ بِاْلفَضْلِ کُلِّهِ مِنْ غَیرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَلا اِکْتِسابٍ، بَلْ اِخْتِصاصٌ مِنَ المُفَضِّلِ الْوَهّاب، فَمَنْ ذَا الَّذِی یبْلُغُ مَعْرِفَهَ اْلإِمامِ، أَوْ یمْکِنُهُ اِخْتیارُهُ، هَیهاتَ، هَیهاتَ!!»؛(۱)

«... آری امام علیه السلام همه فضایل و کمالات خود را از فضل و فیض بی پایان حق داراست، بدون خواهش و تلاش با این وصف، چه کسی را رسد که امام علیه السلام را چنان که باید بشناسد، یا از انتخاب و نصب امام علیه السلام دم زند؟ زهی گمان نادرست و خیال باطل!!».(۲)

(بعضی از بزرگان فرمودند: هیهات دوّم تکرار هیهات اوّل نیست، بلکه هیهات اوّل یعنی «بُعْد العقول الی معرفه الامام علیه السلام» و هیهات دوّم یعنی «بُعد الاختیار الامام علیه السلام» یعنی انتخاب امام علیه السلام از سوی خداوند است نه از سوی مردم).(۳)

ص:۲۹

۱- ۲۵. کلینی قدس سره، محمّد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۷، کتاب الحجّه، ح ۵۱۸، و ۴۹۵،
۲- ۲۶. اقتباس از؛ کتاب فلسفه امامت، یثربی، یحیی، ص ۱۷.
۳- ۲۷. علامه مجلسی رحمه الله، محمّدباقر، «مِرآهُ اْلعُقول فِی شَرْحِ اَخْبارِال الرَّسُول صلی الله علیه وآله»،{شرح اصول کافی}، ج ۲، ص ۳۸۶، شرح حدیث ۵۱۸، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۹.

بعضی از مردم، امامان علیهم السلام را با خود مقایسه می کنند!!

گفته اینک ما بشر، اینان بشر

ما و ایشان بسته خوابیم و خور

این ندانستند ایشان از عما

هست فرقی در میان بی انتها «مولوی»

نصب و انتخاب امام علیه السلام از جانب خداوند

چنان که گفته شد امام علیه السلام از حیث درجه وجودی، بالاترین مقام را داشته، امامت و صفات امام علیه السلام از این درجه وجود، سرچشمه می گیرند. و انتخاب و انتصاب مردم در تحقق آن نقشی نخواهد داشت. در این رابطه امام رضاعلیه السلام چنین می فرمایند:

«...هَلْ یعْرِفُونَ قَدْرَ الْاِمامَةِ وَمَحَلِّها مِنَ الْاُمَّةِ فَیجُوزَ فِیها اِخْتِیارُهُمْ؟! إنَّ الاِمامَةَ أَجَلُّ قَدْراً وَأَعْظَمُ شَأْناً وَأَعْلا مَکاناً وَأَمْنَعُ جانِباً وَأَبْعَدُ غَوْراً مِنْ أَنْ یبْلُغَهَا النّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ ینالُوها أَوْ یقِیمُوا اِماماً بِاِخْتِیارِهِمْ... فَمِنْ أَینَ یخْتارُ هؤلآءِ الْجُهّالُ؟! إِنَّ الْإمامَةَ هِی مَنْزِلَةُ الْانْبیاء وَاِرْثُ الْأَوْصِیآء، إِنَّ الْإمامَةَ خِلافَةُ اللَّهِ وَخِلافَةُ الرَّسُولِ صلی الله علیه وآله وَمَقامُ أمِیرِالْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَمِیراثُ الْحَسَنِ وَالْحُسَینِ علیهما السلام... الحدیث»؛(۱)

«آیا مردم، شأن و منزلت و جایگاه امامت را، در میان امّت، بدرستی می دانند تا در انتخاب و گزینش آن، اجازه و حق دخالت داشته باشند؟! امامت، از لحاظ شأن، جایگاه، اهمیت و عظمت بسی برتر و بالاتر از آن است که مردم تنها با میزان عقل و اندیشه خود، به آن رسیده، با رأی و انتخاب خویش آن را تعیین نموده و برپا دارند... و لذا این گروه نادان و بی خرد چگونه و به چه دلیل برای

۱– ۲۸. ر.ک؛ کلینی قدس سره، محمّدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، صص ۲۸۴ – ۲۹۰، حدیث ۵۱۸.

خود امـام علیه السـلام انتخاب می کننـد؟! همانا جایگاه امامت، جایگاه پیامبران علیهم السـلام بوده و این مقام میراث اوصـیای ایشان است. امامت، خلافت و جانشینی پیامبرصلی الله علیه وآله و مقام امیرالمؤمنین علیه السلام و میراث حسن و حسین علیهما السلام است.

کلینی قـدس سـره در «کتاب الحجّه» اصول کافی بابی تحت عنوان «کسانی را که خـدا از میان بندگانش برگزیده و قرآن را به ارثشان داده، ائمه علیهم السلام می باشند» شامل ۳ حدیث اختصاص داده است.(۱)

امام علیه السلام پیوسته از الهام و امداد غیبی بهره مند است

امام علیه السـلام به طور مسـتمر، با امدادهای غیبی مورد حمایت و تأیید قرار می گیرد. و از این روست که امام علیه السلام در هر عصـری، از بالاـترین درجه علمی برخوردار است و از همه مصالـح و اسـرار لاـزم برای سـعادت دنیا و آخرت مردم آگاهی دارد. به حدیث ذیل در این زمینه توجه فرمایید:

امام علی بن موسی الرضاعلیه السلام می فرماید:

«وَالْاِمـامُ... مُضْـطَلِعٌ بالْإِمـامَهِ، عالِمٌ بِالسِّـیاسَهِ...ناصِحٌ لِعِبادِاللَّه، حافِظٌ لِـدِینِ اللَّهِ إِنَّ الْأَنْبِیاءَ وَالْأَئِمَّهَ صَـلَواتُ اللَّهِ عَلَیهِمْ یوَفِّقُهُمُ اللَّه وَیؤْتِیهِمْ مِنْ مَخْزَنِ عِلْمِهِ وَحِکَمِهِ ما لایؤْتِیهِ غَیرَهُمْ، فَیکُونُ عِلْمُهُمْ فَوْقَ عِلْم أَهْلِ الزَّمانِ...»؛(۲)

«امـام علیه السـلام... در امامت، قوی و در سـیاست، عالم است... خیرخواه بنـدگان خـدا، و نگهبان دین است، خـدا پیغمبران و امامان علیهم السلام را توفیق بخشیده و از خزانه علم

ص:۳۱

۱- ۲۹. همان، ج ۱، ص ۳۱۱،۳۱۲. احادیث ۵۵۷ - ۵۶۰.

۲- ۳۰. همان، ج ۱، ص ۲۸۹، ادامه ح ۵۱۸.

و حکمت هـای خود، آنچه به دیگران نـداده به آنـان داده است، از این جهت علم آن ها برتر و بالاتر از علم مردم زمانشان می باشد...».

تأییـد و حمـایت امام علیه السـلام از غیب و آگاهی او بر اسـرار و مصالـح دنیا و آخرت مردم، در ضـمن روایت های دیگر نیز آمده است که برای رعایت اختصار، از ذکر آن ها صرف نظر می کنیم، تنها آدرس آن ها را در پاورقی بیان می کنیم.(۱)

در روایتی از امام سجّادعلیه السلام نیز چنین آمده است:

«... فَإِنْ أَعْیانا شَی ءٌ تَلَقّانا بِهِ رُوحُ الْقُدُسِ»؛(۲)

«... اگر در چیزی دربمانیم، روح القدس آن را به ما القاء می کند».

امام علیه السلام شریک علم پیامبرصلی الله علیه وآله است

در این رابطه احـادیثی معروف به حـدیث انار از صادقین (امام باقر و امام صادق)علیهما السـلام در کافی نقل شـده است که به ذکر یکی از آن ها اکتفا می کنیم.

محمّدبن مسـلم می گوید: شـنیدم امام باقرعلیه السلام می فرمودند: جبرئیل علیه السلام برای محمّدصلی الله علیه وآله از بهشت دو انار آورد، پس علی علیه السلام اورا ملاقات کرد و گفت:

این دو انار که در دست داری چیست؟

پیامبرصـلی الله علیه وآله فرمودند: اما این یکی نبوّت است که تو از آن بهره ای نداری، و اما این یکی علم است، سـپس رسول خداصلی الله علیه وآله آن را دو نیمه کردند، نیمی را به

۱- ۳۱. ر.ک؛ همان، کتاب الحجّه، صص ۲۸۳ - ۲۹۳، ۳۰۹ - ۳۱۱، روایتهای ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۵۱ - ۵۵۶.

۲- ۳۲. همان، ج ۲، ص ۲۴۹، ح ۱۰۳۴؛ و نیز صص ۱۴ - ۲۰، حدیث های ۷۰۵ - ۷۱۶. راجع به روح {فرشـته} بحث جالبی دارند؛ از جمله در حدیث ۷۱۱، از امام باقرعلیه السـلام نقل شـده، که آفریده ای است از آفریده های خدا بزرگ تر از جبرئیل و میکائیل علیهما السلام که همراه پیامبرصلی الله علیه وآله بود، او را خبر می داد و یاری می رساند، پس از پیامبرصلی الله علیه وآله همین فرشته، با امام هر عصری همراه خواهد بود.

علی علیه السلام دادند و نیمی را خود گرفتند(تناول فرمودند)، سپس فرمودند: در این (انار)، تو با من شریک هستی و من باتو شریکم.

سپس امام باقرعلیه السلام در دنباله روایت انار چنین فرمودند:

«فَلَمْ یعْلَمْ وَاللَّهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله حَرفاً مِمّا عَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلاّ وَقَدْ عَلَّمَهُ عَلِیاًعلیه السلام ثُمَّ انْتَهَی الْعِلْمُ إِلَینا، ثُمَّ وَضَعَ یدَهُ عَلی صَدْرِهِ»؛(۱)

«به خدا سوگند که رسول خداصلی الله علیه وآله از آنچه خدایش به او تعلیم فرمود، حرفی نیاموخت مگر این که آن را به علی علیه السلام تعلیم داد، سپس آن علم به ما رسید. آن گاه حضرت باقرعلیه السلام دست مبارکشان را بر سینه خود نهادند».

درک جایگاه امامت

معرفت مقام و منزلت و شأن امام علیه السلام کار هر کسی نیست، شایستگی و آمادگی بسیار نیاز دارد. به حدیث ذیل توجه فرمایید.

امام صادق علیه السلام می فرمایید :

«إِنَّ حَدِیثَنا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ، لایحْتَمِلُهُ إِلاَّ صدُورٌ مُنِیرَهٌ، أَوْ قُلُوبٌ سَلِیمَهٌ أَوْ أَخْلاقٌ حَسَنَهٌ...»؛(۲)

«شأن و کار ما، سخت، سنگین و دشوار است، جز دل های پاک و روشن و سینه های صاف و نورانی و اخلاق های نیکو، کسی را یارای تحمّل آن نیست...».

در حدیثی دیگر از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

ص:۳۳

۱- ۳۳. همان، ج ۱، ص ۳۹۲،۳۹۳، ح ۶۸۰ - ۶۷۸.

۲- ۳۴. همان، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۰۴۶.

«تحمّل امر ما حتّی برای فرشته مقرّب نیز سخت و سنگین است».(۱)

قابل ذکر است؛ به لحاظ اهمیت موضوع، مرحوم کلینی قدس سره بابی در «کِتابُ الْحُجَّهِ» اصول کافی تحت عنوان: «فِیما جآءَ أَنَّ حَدِیثَهُمْ صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ» شامل ۵ حدیث نسبتاً مفصل، اختصاص داده است، مراجعه فرمایید.(۲)

مولوی بارها این نکته را، در مثنوی مورد تأکید قرار می دهد؛ از قبیل: «جان شو و از راه جان، جان را شناس»... یا: «پس قیامت شو، قیامت را ببین / دیدن هر چیز را شرط است این»...

روح زیبا چونکه وارست از جسد

از قضا بی شک چنین چشمش رسد

صد هزاران غیب پیشش شد پدید

آنچه چشم محرمان بیند بدید

آنچه او اندر کتب برخوانده بود

چشم را بر صورت آن بر گشود(۳)

اقرار به ولایت و امامت در عالم ذَر

اگر چه شناخت و دستیابی به شأن و مقام امام علیه السلام و امامت طبق احادیث امامان علیهم السلام کار بسیار مشکلی است. ولی در جای خود ضرورت شناخت امام علیه السلام در حدّ توان و پیروی از آن، اقرار به و امامت و ولایت ثابت و مسلّم است. تا انسان در دام سلطه مدّعیان دروغین امامت گرفتار نگردد، و به خاطر کوتاهی در معرفت به مرگ جاهلیت از دنیا نرود. و بر عهد و میثاقی که خداوند از شیعیان در عالم ذر بر ولایت امامان علیهم السلام گرفت پایدار و وفادار بماند.

۱- ۳۵. همان، ج ۲، ص ۲۵۵،۲۵۶،۲۵۷، ح ۱۰۴۷.

۲- ۳۶. همان، ج ۲، صص ۲۵۳ - ۲۵۷، احادیث، ۱۰۴۴ - ۱۰۴۸.

۳- ۳۷. مثنوی، به نقل از؛ سید یحیی یثربی، فلسفه امامت، ص ۴۰،۴۱.

در همین رابطه به نقل از امام باقرعلیه السلام روایت شده است:

«عَنْ بُکَیرِ بْنِ أَعْینَ قالَ: کانَ أَبُوجَعْفَرعلیه السلام یقُولَ: إِنَّ اللّهَ أَخَذَ مِیثاقَ شِیعَتِنا بِالْوِلایهِ وَهُمْ ذَرٌّ یوْمَ أَخَذَ الْمِیثاقَ عَلَی الذَّرِّ وَالْإِقْرارَ لَهُ بِالرُّبُوبِیهِ وَلِمُحَمَّدٍصلی الله علیه وآله بِالنُّبُوَّهِ»؛(۱)

«بُکَیربن اَعین می گوید: امام باقرعلیه السلام می فرمودند: خداوند در عالم ذَر، از شیعیان ما پیمان و میثاقِ ولایت گرفت، آن گاه که به ربوبیت خود و نبوّت محمّدصلی الله علیه وآله پیمان و اقرار گرفت». (راجع به عالم ذر، در کتاب ایمان و کفر، اصول کافی بحث شده است).(۲)

لذا معصومین علیهم السلام اقرار به ولایت و امامت را نیز، همچون اقرار به توحید و نبوّت به عالم ذَر ارتباط می دهند.

از دم صبح ازل تا آخر شام ابد

دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود

سایه معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد

ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود

«حافظ»

کیفیت آفرینش ارواح شیعیان از ارواح ائمه علیهم السلام

مرحوم کلینی قدس سره در کافی بابی در این رابطه باز نموده، راجع به کیفیت آفرینش ائمه علیهم السلام و شیعیان شان که چند حدیث نقل کرده است.

می توان ادعا کرد که محبّت و دوستی قلبی شیعیان نسبت به اهل بیت

۱- ۳۸. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۸، ح ۱۱۷۲. و نیز احادیث، ۱۱۷۳ - ۱۱۸۰، مربوط به ولایت ائمه علیهم السلام است.

۲- ۳۹. ر.ک؛ همان، ج ۳، از اوّل کتاب تا صفحه ۱۹، ترجمه و شرح، سید جواد، مصطفوی.

عصمت و طهارت علیهم السلام از همین ارتباط روحانی و عهد و میثاق سرچشمه می گیرد. و نیز به این نکته اشاره دارد که می فرمایند: ارواح شیعیان ما با ارواح ما از یک مایه و طینت است.

مرا عهدیست با جانان که تا جان در بدن دارم

هواداران کویش را چو جان خویشتن دارم

«حافظ»

به عنوان شاهد مدعا به حدیث ذیل توجه فرمایید:

«عَنْ أَبی حَمْزَهَ الُّثمالِی قالَ: سَمِعْتُ أَباجَعْفَرعلیه السلام یقُولُ: إنَّ اللَّهَ خَلَقَنا مِنْ أَعْلی عِلّیینَ وَخَلَقَ قُلُوبَ شیعَتِنا مِمّا خَلَقَنا وَخَلَقَ أَبْدانَهُمْ مِنْ دُونِ ذلِکَ، فَقُلُوبُهُمْ تَهْوی إلَینا، لِأَنَّها خُلِقَتْ مِمّا خُلِقْنا [مِنْهُ ، ثُمَّ تَلا هذِهِ اْلآیه: «کَلّا إنَّ کِتابَ اْلاَبْرارِ لَفِی عِلّیینَ وَما أَدْراکَ ما عِلّیونَ کِتابٌ مَرْقُومٌ یشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ»،(۱) وَخَلَقَ عَدُوَّنا مِنْ سِجّینٍ و...»؛(۲)

«ابوحمزه ثمالی می گوید: شنیدم امام باقرعلیه السلام می فرمودند: همانا خداوند ما را از أعلی علیین آفرید، و دل های شیعیان ما را هم از همان چیز آفرید، و پیکرهای آن ها را از درجه پایینش آفرید، از این رو دل های شیعیان به ما متوجه، و برای ما می تپد؛ زیرا از آنچه ما آفریده شده ایم، آفریده شده اند...» و سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمودند: «اصلاً نامه نیکان در علیین است، تو چه می دانی علیین چیست؟ کتابی است نوشته شده که مقربان شاهد آنند» و دشمنان ما را از سجین آفرید و...».

۱- ۴۰. قرآن کریم، سوره مطفّفین {۸۳}، آیه، ۱۸ - ۲۱.

۲- ۴۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۴، ح ۱۰۰۸، و احادیث، ۱۰۰۵ - ۱۰۰۷، باب نیز در خصوص همین موضوع می باشد.

توضیح این که؛ روشن است که عِلّیین و سجّین از چیزهایی است که خدای تعالی نخواسته، بشر آن را به نحو تفصیل بداند، از این رو به پیامبرش صلی الله علیه وآله می فرماید: تو چه می دانی علیین چیست؟ تو چه می دانی سجین چیست؟ بعد هم به کتاب نوشته شده توضیحش می دهد. دانشمندان و مفسران اسلامی نیز در معنی کلمه علیین اقوال و عقاید مختلف و محتملی؛ از قبیل: آسمان هفتم، بالاترین مکان، اشرف مراتب، اقرب مقامات به خدا، نامه عمل نیکوکاران و... ذکر نموده اند.(۱)

چنان که از حدیث شریف استفاده می شود، چون ارواح شیعه از ارواح امامان خویش آفریده شده اند، قابلیت افاضه فیض را پیدا کرده وگرنه هر قلبی قابلیت دوستی و محبّت اهل بیت پیامبرعلیهم السلام را ندارد، چه این که در ادامه حدیث شریف فرمودند: دشمنان ما از سجین خلق شده اند و... .

ص:۳۷

۱- ۴۲. همان، ج ۲، ص ۲۳۲،۲۳۴، شرح، ح ۱۰۰۵، ۱۰۰۸. ترجمه و شرح دانشمند محترم، سیدجواد مصطفوی.

حافظ چه شیرین می گوید:

گوهر پاک بباید که شود قابل فیض

ور نه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود

در جای دیگر نیز چنین می گوید:

بلبل از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود

این همه قول و غزل تعبیه منقارش

همچنین در برخی احادیث، امامان علیهم السلام نورِ خداوند عزَّوجلّ، و سبب نورانیت قلوب پیروان و مؤمنان شمرده شده اند.

در روایتی از امام باقرعلیه السلام خطاب به اباخالدرضی الله عنه چنین آمده است:

«...یا أَبا خالِدٍ أَلنُّورُ وَاللَّهِ اْلاَئِمَّهعلیهم السلام مِنْ آلِ مُحَمَّدٍصلی الله علیه وآله... وَاللَّهِ یا أَبا خالِدٍ! لَنُورُ اْلإِمامِ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ أَنْوَرُ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِیئَهِ بِالنَّهارِ وَهُمْ وَاللَّهِ یُنَوِّرُونَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِینَ و ...»؛(۱)

«...ای اباخالد، قسم به خدا که مقصود از نور، امامان علیهم السلام از آل محمّدصلی الله علیه وآله می باشند. تا روز قیامت سرچشمه نور و روشنایی اند... ای اباخالد، بخدا سوگند که نور امام علیه السلام در دل های مؤمنان از تابش خورشید روشن تر است. بخدا که آنان بر دل های مؤمنان روشنایی می بخشد...».

حافظ چنین می گوید:

گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد

باللّه کز آفتات فلک خوب تر شوی

در جای دیگر نیز می گوید:

گرچه خورشید فلک چشم و چراغ عالمست

روشنایی بخش چشم اوست خاک پای تو

آنچه اسکندر طلب کرد و ندادش روزگار

جرعه ای بود از زلال جام جان افزای تو

عرض حاجت در حریم حضرتت محتاج نیست

از کسی مخفی نماند با فروغ رأی تو

مرحوم کلینی قدس سره در «اصول کافی» بابی با عنوان «أَنَّ ٱلاَئمَّهَ عَلَیهِمُ السَّلامُ نُورُ اللَّهُ عَزَوَجَلَّ» شامل ۶ حدیث شریف نیز اختصاص داده است.(۲)

۱- ۴۳. همان، ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۵۰۹.

۲- ۴۴. همان، ج ۱، ص ۲۷۷ - ۲۸۰، ح ۵۱۰ - ۵۱۵.

فصل چهارم: اوصاف و ویژگی های امام علیه السلام

اوصاف و ویژگی های امام علیه السلام

ص:۳۹

هدف اصلی از این بحث، تحلیل و بررسی و تبیین اوصاف، ویژگی ها، شؤون، راه انتخاب، راه شناخت،... امام علیه السلام و آثار امامت است. که با الهام از روایات صورت می پذیرد.

تکیه بر این مسند عالی(امامت)، کار هرکس نیست، ردای امامت، به هر قامتی برازنده نیست. آن که عنوان «امام» را به دست می آورد، در شأن و منزلتی است که به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام:

«دور از دسترس پرواز، با بال و پر معمولی است».

امام علیه السلام را مردم به آسانی نمی توانند بشناسند؛ تا چه رسد به این که به مقام رقابت با آن برآیند. یا در انتخاب و رساندنش به این مقام نقشی داشته باشند.

امام علیه السلام، همچون محبت و عشق، قابل توصیف نیست. ما که نمی توانیم امام علیه السلام را بشناسیم، چگونه او را توصیف کنیم؟!

تنها راه درست ما همان است که اوصاف و ویژگی های امام علیه السلام را، هم از زبان امام علیه السلام بشنویم که «حافظ» چنین می گوید:

ساقی بیا که عشق ندا می کند بلند

کان کس که گفت قصّه ما، هم ز ما شنید

امام علیه السلام دارای عصمت است

امام علیه السلام دارای صفت عصمت بوده، از هر گناه و خطا و لغزشی در امان است. بنابراین امام علیه السلام در هر عصر، با تقواترین و عادل ترین انسان زمان خود بوده، در بالاترین درجه فضیلت اخلاقی و رفتاری قرار دارد.

امام رضاعلیه السلام در فرازی از روایت مفصّل خود چنین می فرمایند:

«... اَلإِمامُ اَلْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْمُبَرّا عَنِ الْعُیوبِ،... وَالْإِمامُ عالِمٌ لایجْهَلُ وَراعٍ لاینْکُلُ، مَعْدِنُ الْقُدْسِ وَالطِّهارَهِ وَالنُّسُکِ وَالزِّهادَهِ وَالْعِلْمِ وَالْعِبادَهِ...»؛(۱)

«...امام علیه السلام از گناهان پاک و از عیب ها به دور است...، امام علیه السلام سر چشمه همه فضایل بوده، روح قدسی امام علیه السلام، از هرگونه غفلت و اشتباه و گزافه گویی به دور است. امام علیه السلام کانون قدس و پاکی و اطاعت و زهد و علم و عبادت است...».

در جای دیگر در همین رابطه سلیم بن قیس حدیثی از امام علی علیه السلام نقل کرده، توجه فرمایید:

«إِنَّ اللّهَ تَبارَکَ وَتَعالی طَهَّرَنا وَعَصَمَنا وَجَعَلَنا شُهَدآءَ عَلی خَلْقِهِ وَحُجَّتَهُ فِی اَرْضِهِ وَجَعَلَنا مَعَ الْقُرْآنِ وَجَعَلَ الْقُرآنَ مَعَنا لانُفارِقُهُ وَلایفارِقُنا»؛(۲)

«امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: خداوند ما را پاک و معصوم داشته، گواهش بر آفریدگان و حجّتش در روی زمین گردانید و قرارداد ما را با قرآن و قرآن را با ما، نه ما از آن جدا می شویم و نه قرآن از ما جدا می شود».

۱- ۴۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۹، ادامه ح ۵۱۸ و نیز، ج ۲، ص ۱۷، ح ۷۱۰.

۲- ۴۶. همان، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۴۹۵، و نیز ح ۴۹۱ - ۴۹۴ و همچنین ج ۲، روایت های ۶۹۲،۶۸۶ و ۶۹۴.

توضیح مطلب؛

«عصمت انبیا و امامان علیهم السلام در کلام اسلامی بر مبانی زیر استوار است:

یکی آن که، عصمت آنان بر اساس «قاعده لطف» عنایتی است از طرف خدا، در حق بندگانش. «لطف» یعنی خداوند کار یا کارهایی انجام دهد که بنده را به وسیله آن ها، از گناه دور کرده، به انجام بندگی نزدیک سازد. با این شرط که به حدّ اجبار بندگان نرسد.(۱) چون اگر خداوند بنده را بر کاری مجبور کند، دیگر انجام آن کار به حساب تکلیف نیامده، فضیلتی برای بنده به شمار نخواهد آمد. و چون عصمت انبیا و امامان علیهم السلام هم، بندگان را در پذیرش دعوت آنان، و تبعیت از اوامر و نواهی ایشان یاری می رساند، بر خداوند لازم است که آنان، را معصوم قرار دهد، تا مردم با مشاهده خطا و خلاف آنان، گرفتار اعراض و گمراهی نگردند... .

و دیگر آن که گناه و خطا، معلول نادانی و نقصان اند. انبیا و اولیاعلیهم السلام که به حمایت وحی ازجهل ونقصان به دورند، طبعاً گرفتار گناه وخطا نخواهند شد.

امّا بر پایه مبانی حکمت متعالیه، عصمت بر پایه عینی تری استوار است و مفهوم دقیق تری دارد. و آن این که امام علیه السلام به عنوان برترین قلّه وجود، از آثار و خواص این درجه برتر برخوردار بوده، از جهت اخلاقی و رفتاری هم در اوج خواهد بود...».

ص:۴۳

---

۱ – ۴۷. انوارالملکوت فی شرح الیاقوت، علامه حلّی قدس سره، ص ۱۵۳، انتشارات بیدار، قم، به نقل از فلسفه امامت، یحیی یثربی، ص ۸۹.

به حسن و خلق و وفا کس به یار ما نرسد

تو را در این سخن انکار کار ما نرسد

اگر چه حسن فروشان به جلوه آمده اند

کسی به حسن و ملاحت به یار ما نرسد

هزار نقد به بازار کاینات آرند

یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد

«حافظ»

شایستگی بیعت در انحصار معصوم علیه السلام

«...از آنجا که رهبری مصون از خطا و لغزش، منحصر به امام علیه السلام است پیروی از مدعیان رهبریت در برابر رهبریت معصوم علیه السلام بر خلاف عقل و منطق است. از دیدگاه حکمت متعالیه نیز از آنجا که امامت و ولایت تکوینی، در انحصار امام معصوم عصر است، پذیرش ولایت تشریعی مدعیان، با تشریع الهی که موافق فطرت و تکوین است، در تضاد خواهد بود. بنابراین پذیرش ولایت تشریعی امام معصوم علیه السلام، به دلیل تطابق آن با نظام تکوین، واجب و لازم است».(۱)

به احادیثی در این زمینه از معصومین علیهم السلام دقت کنید:

«عَنِ الْفُضَیلِ قالَ: سَأَلْتُ أَباعَبْدِاللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجلَّ: «وَلَکُلِ -

ص:۴۴

---

۱ – ۴۸. یثربی، سیدیحیی، فلسفه امامت، ص ۹۷.

قَوْمٍ هادٍ»(۱) فَقالَ علیه السلام: کُلَّ إِمامٍ هادٍ لِلْقَرْنِ الَّذِی هُوَ فِیهِمْ»؛(۲)

«فضیل می گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند عزَّوَجل: «و هر گروهی را رهبری است» پرسیدم، فرمودند: هر امامی رهبر و راهنمای عصر خویش است».

و این رهبری و هدایت در انحصار امام معصوم علیه السلام است. نه کسی در جای او قرار می گیرد و نه کسی را می توان به جای او به رهبری پذیرفت.

در این زمینه حدیثی از امام صادق علیه السلام توجه فرمایید:

«عَنْ اِبْنِ أَبِی یعْفُورٍ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبدِاللَّهِ علیه السلام یقُولُ: ثَلاثَهٌ لاینْظُرُ اللَّهُ إِلَیهِمْ یوْمَ الْقِیامَهِ وَلایزَکِّیهِمْ وَلَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ: مَنِ ادَّعی إِمامَهً مِنَ اللَّهِ لَیسَتْ لَهُ، وَمَنْ جَحَدَ إِماماً مِنَ اللَّهِ، وَمَنْ زَعَمَ أَنَّ لَهُما فِی الْإِسْلامِ نَصِیباً»؛(۳)

«ابن ابی یعفور می گوید، شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمودند:

سه گروه هستند که خداوند در روز قیامت به آن ها نظر لطف و عنایت نکند و پاکشان نسازد و عذابی دردناک دارند:

کسی که بدون صلاحیت و شایستگی، ادعای امامت کند؛

کسی که امامت امام حق و منتخب از جانب خدا را انکار کند؛

و آن که معتقد باشد این دو گروه از اسلام بهره ای دارند».

بنابراین، به هر کجا که برویم، چنانچه به دنبال حق و حقیقت، حقانیت،

۱- ۴۹. سوره رعد، آیه۷.

۲- ۵۰. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۲،۲۷۳، ح ۶۹۶ - ۴۹۹.

۳- ۵۱. همان، ج ۲، ص ۲۰۳، ح ۹۶۳. و نیز احادیث، ۹۵۵ - ۹۶۲.

معرفت و علم صحیح و یقین آور باشیم، باید به مکتب معصوم علیه السلام باز گردیم، که غیر از این، ره به ترکستان است.

در این زمینه امام باقرعلیه السلام به سَلَمه بن کهیل و حَکَم بن عتیبه (که هر دو زیدی مذهب بودند) چنین می فرمایند:

«عَنْ أَبی مَرْیمْ قالَ: قالَ أَبُوجَعْفَرٍعلیه السلام لِسَلَمَهَ بْنِ کُهَیلٍ وَالْحَکَمِ بْنِ عُتَیبَهَ: شَرِّقا وَغَرِّبا فَلا تَجِدانِ عِلْماً إِلاّ شَیئاً خَرَجَ مِنْ عِنْدِنا أَهْلِ الْبیتِ»؛(۱)

«امام باقرعلیه السلام به آن دو فرمودند: به مشرق بروید و به مغرب بروید، (زمین را زیر پا بگذارید) علم صحیح و درستی جز آنچه از ما خانواده تراوش کند، پیدا نمی کنید». (علم در انحصار مکتب و خاندان و اهل بیت پیامبرصلی الله علیه وآله است، فَأَینَ تَذْهَبُون). در همین رابطه نیز چند روایت با تعابیری دیگر نقل شده است.(۲)

امام علیه السلام یگانه زمان خود

یعنی در هر عصری، تنها یک نفر، به عنوان امام علیه السلام، بالاترین مرجع و فرمانروای مطلق دین و دنیای مردم بوده و خواهد بود.

در بخشی از حدیث مفصّل امام رضاعلیه السلام چنین آمده است:

«...اَلإمامُ علیه السلام واحِدُ دَهْرِهِ، لایدانِیهِ أَحَدٌ وَلایعادِلُهُ عالِمٌ...»؛(۳)

«...امام علیه السلام یگانه زمان خویش است، کسی هم طراز او نباشد و دانشمندی با او برابری نکند...».

ص:۴۶

۱- ۵۲. همان، ج ۲، ص ۲۵۱، ح ۱۰۴۰.

۲- ۵۳. همان، ج ۲، ص ۲۵۰ - ۲۵۲، حدیث های، ۱۰۳۸ - ۱۰۴۲، {غیر از، ح ۱۰۴۰ که در متن آمده است}.

۳- ۵۴. همان، ج ۱، ص ۲۸۷، ادامه ح ۵۱۸.

در اهمیت این ویژگی همین بس که اهل ذکری که در قرآن به مردم سفارش شده که به آن ها رجوع کنند، کسی جز ائمه علیهم السلام نیستند. و نیز عالم در قرآن به ائمه علیهم السلام تفسیر شده و همچنین راسخین در علم که در قرآن مطرح شده ائمه اطهارعلیهم السلام مصداق اتم آن هستند، اگر نگوییم مصداق منحصر بفرد آن هستند. در کتاب شریف کافی نیز ابوابی تحت همین عناوین اختصاص داده شده است.(۱)

از امام رضاعلیه السلام سؤال کردند، ممکن است در یک زمان دو امام علیه السلام وجود داشته باشد؟

حضرت علیه السلام فرمودند:

«... لا اِلاّ وَاَحَدُهُما صامِتٌ...»؛(۲)

«... نه، مگر این که یکی از آن دو ساکت باشد... و فعلاً امامت به او واگذار نشده باشد...».

کیفیت انتقال منصب امامت، از امام قبل به امام بعد

بدیهی و ضروریست، با درگذشت کسی که در بالاترین جایگاه عالَم وجود، و والاترین مقام و منصب الهی قرار داشته، آن که بعد از او از چنین درجه ای برخودار باشد، در جای خالی او قرار گیرد، و عهده دار منصب و مقام والای امامت و هدایت انسان گردد.

۱- ۵۵. همان ج ۱، صص ۳۰۳ - ۳۰۹، ۳ باب شامل ۱۴ حدیث، از ۵۳۸ - ۵۵۱.

۲- ۵۶. همان، ج ۲،ص ۱۶۶، ح ۹۲۳.

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام در این زمینه از حضرتش سؤال نموده است. به حدیث شریف ذیل توجه فرمایید:

«عَنْ عَلِی ـبْنِ أَسْباطٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام قالَ: قُلْتُ لَهُ: أَلإِمامُ مَتی یعْرِفُ إِمامَتَهُ وَینْتَهِی الْأَمْرُ إِلَیهِ؟ قالَ علیه السلام: فِی آخَرِ دَقِیقَهٍ مِنْ حَیاهِ الْأَوَّلِ»؛(۱)

«یکی از اصحاب می گوید، به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه زمانی امام علیه السلام متوجه می شود که به مقام امامت رسیده است؟ حضرت علیه السلام فرمودند: در آخرین لحظه و دقیقه زندگی امام پیشین علیه السلام بار این رسالت را به عهده می گیرد».

امام پیشین علیه السلام به امر خدا امام بعد را معرفی می کند

از مباحث گذشته روشن شد، شناخت و انتخاب امام علیه السلام کار آ سانی نیست و از عهده مردم خارج بوده و باید از جانب حضرت حق باشد. بنابراین هر امامی به فرمان خداوند و تنها براساس تکلیف و عهد و پیمان الهی، نه بر پایه خویشاوندی و غیره، این امانت؛ یعنی مقام امامت را به امام بعدی واگذار کرده، و او را به مردم و شیعیانش معرفی می نماید. به یک حدیث از مروّج مکتب شیعه در این زمینه به عنوان نمونه اشاره، و بقیه احادیث باب را ارجاع می دهیم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«لایمُوتُ الْإِمامُ حَتّی یعْلَمَ مَنْ یکُونُ مِنْ بَعْدِهِ فَیوصِی [إِلَیهِ »؛(۲)

ص:۴۸

۱- ۵۷. همان، ج ۲، ص ۲۱، ح ۷۱۹، و نیز دو حدیث قبل از آن در رابطه با انتقال علم و ودیعه امامت، به امام بعد می باشد.

۲- ۵۸. همان، ج ۲، ص ۲۴، ح ۷۲۷، {(۵}، کلمه «اِلَیهِ» در متن کافی داخل کروشه نوشته شده است. و نیز حدیث های ۷۲۳ - ۷۳۰، در این زمینه می باشند. و همچنین در، ج ۲، صص ۲۵ - ۳۵، دو باب مستقل دارای ۹ حدیث، در خصوص این که امر امامت عهدی است از جانب خداوند و انتخاب امام علیه السلام نیز به امر و فرمان حضرت حق بوده، و کسی حق انتخاب از سوی خویش را ندارد، اختصاص داده شده است.

«امام علیه السلام نمی میرد تا این که امام بعد از خود را بشناسد و به او وصیت کند». (و او را معرفی کند).

نحوه آگاهی امام علیه السلام از درگذشت امام قبل از خود

هر امامی، اگر چه در کنار امام قبل از خود حضور فیزیکی نداشته باشد، از لحظه مرگ امام پیشین خویش آگاه می شود و انتقال امامت را با الهام از جانب خداوند در می یابد. به حدیثی از یکی از یاران امام رضاعلیه السلام عنایت فرمایید:

«عَنْ صَفْوانَ قالَ: قُلْتُ لِلرِّضاعلیه السلام: أَخْبِرنِی عَنِ الْإِمامِ مَتی یعْلَمَ أَنَّهُ إِمامٌ؟ حِینَ یبْلُغُهُ أَنَّ صاحِبَهُ قَدْمَضی أَوْ حِینَ یمْضِی؟ مِثْلَ أَبِی الْحَسَنِ قُبِضَ بِبَغْدادَ وَأَنْتَ ههُنا؟ قالَ علیه السلام: یعْلَمُ ذلِکَ حِینَ یمْضِی صاحِبُهُ، قُلْتُ: بِأَی شَیءٍ؟ قالَ: یلْهِمُهُ اللّهُ»؛(۱)

«صفوان می گوید، به امام رضاعلیه السلام عرض کردم: به من بفرمایید امام علیه السلام چه زمانی می داند او امام است؟ زمانی که به او خبر برسد صاحبش (امام سابق علیه السلام) وفات کرده، یا همان زمانی که وفات می کند؟ مثل این که (پدر شما) حضرت ابوالحسن علیه السلام در بغداد وفات کرد (به شهادت رسید) و شما اینجا (در مدینه) بودید؟ فرمودند: همان زمانی که صاحبش می میرد، آگاه می شود، عرض کردم: به چه وسیله؟ فرمودند: خدا به او الهام می کند.

۱- ۵۹. همان، ج ۲، ص ۲۱۷، ح ۹۸۳. و نیز حدیث های ۹۸۴،۹۸۵، در این زمینه می باشد.

امام علیه السلام در لحظه انتقال امامت، نشانه های انتقال این منصب و مقام را به خودش، در می یابد. هارون بن فضیل گوید:

روز وفات(شهادت) امام جوادعلیه السلام، امام هادی علیه السلام، امام دهم را دیدم که فرمودند:

«اِنّا للَّهِ ِ وَإِنّا إِلَیهِ راجِعُونَ» و از درگذشت پدر بزرگوارشان، امام جوادعلیه السلام خبر دادند، از حضرت پرسیدند: از کجا دانستید؟

امام علیه السلام فرمودند: «لأَنَّهُ تُداخِلُنِی ذِلَّةٌ للَّهِ ِ لَمْ أَکُنْ أَعْرِفُها»؛(۱)

«مرا نسبت به خداوند فروتنی و خضوعی دست داد که چنین حالتی برایم سابقه نداشت». و این اشاره به همان الهام الهی و ارتباط خاص امام علیه السلام با خداوند است که در حدیث قبل به آن اشاره شد.

علم امام علیه السلام همیشگی است

علم امام علیه السلام دائمی و همیشگی بوده و متصل به سرچشمه غیبی است و دائماً در حال افزایش است. در غیر این صورت موجب نقص می شود. در این رابطه از صادقین علیهما السلام چند روایت نقل شده است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«...لَوْلا أَنّا نَزْدادُ لأَنْفَدْنا»؛(۲)

«...اگر بر دانش ما افزوده نمی شد بی علم می ماندیم».

ص:۵۰

۱- ۶۰. همان، ج ۲، ص ۲۱۸، ح ۹۸۴.

۲- ۶۱. همان، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۶۴۹.

مفضل بن عمر می گوید؛ روزی امام صادق علیه السلام به من فرمودند:

ما را هر شب جمعه شادی و سروریست! گفتم: خدایش افزایش دهد، آن شادی چیست؟ فرمودند: هر شب جمعه روح پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله و امامان علیهم السلام تا عرش بالا می رود، و روح ما هم با روح آنان بالا می رود، و این ارواح به بدن های خود باز نگردند، مگر با معرفتی و علمی تازه و جدید، و اگر چنین نبود که علم ما تمام می شد.(۱)

و به همین مضمون چند حدیث دیگر وارد شده است.(۲)

جهات سه گانه علم امام علیه السلام

امام موسی بن جعفرعلیه السلام نیز می فرمایند:

علم امام علیه السلام سه جنبه و جهت دارد:

۱- علوم مربوط به زمان گذشته؛

۲- علوم مربوط به زمان آینده؛

۳- علوم حادث و جدید و نو ظهور.

اما علوم گذشته برای ما تفسیر شده است (یعنی اخبار گذشته را پیغمبرصلی الله علیه وآله برای ما توضیح داده است) و اما علوم آینده (در جامع و مصحفی نوشته شده که نزد ماست)(۳) و اما علوم حادث و نو ظهور، نتیجه الهام حق بر دل امام علیه السلام و ابلاغ به گوش اوست. برترین نوع علم ما همین نوع است.

۱- ۶۲. همان، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۶۴۷. ونیز ح ۶۴۶و۶۴۸، در این رابطه می باشد.

۲- ۶۳. همان، ح ۶۵۰ - ۶۵۲.

۳- ۶۴. ر.ک؛ همان، ج ۱ ص ۳۴۴، در بابی مستقل شامل ۸ حدیث راجع به جامعه، صحیفه، جفر و مصحف فاطمه علیها السلام بحث شده است.

این نکته را هم جـداً یادآور می شوند که این موضوع را نباید با نبوّت اشـتباه کرد؛ یعنی علوم حادث امامان علیهم السـلام چیز دیگری است و نبوّت چیز دیگر.(۱)

امام علیه السلام هرگاه بخواهد چیزی را بداند، خدا به او می آموزد

در کتـاب الحجّه کـافی بابی تحت عنوان مطالب فوق باز شـده و سه حـدیث از امام صادق علیه السـلام در این رابطه نقل شـده است. به یک حدیث به عنوان نمونه دقت کنید:

«عَنْ اَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام قالَ: إِذا أَرادَ اْلإِمامُ أَنْ یعْلَمَ شَیئاً أَعْلَمَهُ اللَّهُ ذلکَ»؛(۲)

«امام صادق علیه السلام می فرمایند: هرگاه امام علیه السلام خواهان دانستن چیزی باشد، خداوند به او خواهد آموخت».

علم و قدرت فوق العاده امام علیه السلام و مظلومیت او

این سؤال همواره در اذهان مطرح هست، که امامان علیهم السـلام با این همه علم و قـدرت که حتی زمان مرگ خویش را می دانند و اصولاً مرگشان به انتخاب و اختیار خودشان بوده، که در اصول کافی بابی تحت همین عنوان شامل ۸

۱- ۶۵. همان، ج ۱، ص ۳۹۳، ح ۶۸۱ و نیز، ص ۳۹۴، ح ۶۸۲،۶۸۳ در این خصوص هستند.
۲- ۶۶. همان، ج ۱، ص ۳۸۲،۳۸۳، ح ۶۶۳ - ۶۶۱، و نیز ص ۳۸۹، ح ۶۷۵، حدیث مفصلی است از امام باقرعلیه السـلام در خصوص علوم ائمه علیهم السـلام در قسمتی از آن آمده است: «... مگر برای شما باور کردنی است که خدای سبحان طاعت و فرمـانبرداری از اولیـاء و امامـان علیهم السـلام را بر مردم واجب کنـد و در عین حـال اخبـار آسـمان و زمین را از آنان پوشـیده داشـته، منابع و مواد علوم مربوط به مراجعات مردم به این امامان علیهم السـلام را که پایه و اساس دین مردم است از آنان دریغ دارد؟!...».

حدیث، آمده است،(۱) چرا در بعضی موارد دست به اقدامی می زنند که به شکست (ظاهری) و احیاناً مرگ و شهادت خودشان می انجامد؟! جهت دریافت پاسخ مناسب به فرازهای آخر حدیث مفصّل امام باقرعلیه السلام به حمران توجه فرمایید:

«عَن ضُرَیسٍ الْکَنّاسِی قالَ: سَمِعْتُ أَباجَعْفَرعلیه السلام یقُولُ: ... وَلَوْ أَنَّهُمْ یاحُمْرانُ! حَیثُ نَزَلَ بِهِمْ مانَزَلَ مِنْ أَمْرِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَاظْهارِ الطَّواغِیتِ عَلَیهِمْ سَأَلُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَنْ یدْفَعَ عَنْهُمْ ذلِکَ وَأَلَحُّوا عَلَیهِ فِی طَلَبِ إزالَهِ مُلْکِ الطَّواغِیتِ وَذِهابِ مُلْکِهِمْ اِذاً لَاَجابَهُمْ وَدَفَعَ ذلِکَ عَنْهُمْ، ثُمَّ کانَ انْقِضاءُ مُدَّهِ الطَّواغِیتِ وَذِهابِ مُلْکِهِمْ أَسْرَعَ مِنْ سِلْکٍ مَنْظُوم انْقَطَعَ فَتَبَدَّدَ، وَما کانَ ذلِکَ الَّذِی أَصابَهُمْ یاحُمْرانُ لِذَنْبٍ اقْتَرَفُوهُ، وَلالِعُقُوبَهِ مَعْصِیهٍ خالَفُوا اللَّهَ فِیها، وَلکِنْ لِمَنازِلَ وَکَرامَهٍ مِنَ اللَّهِ، أَرادَ أَنْ یبْلُغُوها، فَلاتَذْهَبَنَّ بِکَ المَذاهِبُ فِیهِمْ»؛(۲)

«...ای حمران! همه مصیبت ها و گرفتاری های امامان و ستم ستمگران بر ایشان به خواست خود آنان از درگاه حق، قابل دفع و رفع بود. اگر می خواستند قدرت طاغوتیان را بر باد می دانند و بساط آنان به سادگی فروپاشی یک رشته مروارید (گلوبندی) که بندش را بریده باشند از هم می پاشید.

ای حمران! این مصیبت ها نه کیفر گناه و مخالفت با خداوند است! بلکه مقدمه

ص:۵۳

۱- ۶۷. همان، ۱، صص ۳۸۳ - ۳۸۷، احادیث ۶۶۴ - ۶۷۲، همه در خصوص علم امامان علیهم السلام به مرگ خویش و با اختیار خودشان است، ملاحظه فرمایید.
۲- ۶۸. همان، ج ۱ ص ۳۹۰، ح ۶۷۵، و مرحوم کلینی قدس سره در کتاب الحجّه بابی تحت عنوان «ائمه علیهم السلام آنچه واقع شده و می شود را می دانند و چیزی از ایشان مخفی نیست» آورده، که شامل ۶ حدیث جالب و جذاب می باشد.

تعالِی آنان (امامان علیهم السلام) به درجات و کراماتی بوده، که خدا خواسته بدان نائل آیند. نسبت به ایشان گمان های دیگر مبر. مبادا، مبادا که دچار کج اندیشی شوی!».

به نیم غمزه توانی که قتل عام کنی

خدا نکرده اگر غمزه را تمام کنی!

تقیه امام علیه السلام برای رعایت حال شیعیان

گاهی اولیاء خدا و معصومین علیهم السلام با کسانی رو برو هستند که ظرفیت محدود آنان، زمینه ابراز حقایق را از بین میبرد. در این گونه موارد، اولیاء خداعلیهم السلام به میزان عقل و فهم آنان، معرفت و توان خون را ابراز می کنند. و گاهی اوقات هم مصلحت و ملاحظات سیاسی، ایجاب می کند که پنهان کاری نمایند، تا مشکلی برای خودشان، یاران و شیعیان شان ایجاد نگردد. چنان که امام صادق علیه السلام این چنین عمل نمودند.

«عَنْ سُدَیرٍ قالَ: کُنْتُ أَنَا وَأَبُوبَصِیرٍ وَیحْیی الْبَزّازُ وَداوُدُ بْنُ کَثِیرٍ فِی مَجْلِسِ أَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام إِذْ خَرَجَ إِلَینا وَهُوَ مُغْضَبٌ، فَلَمّا أَخَذَ مَجْلِسَهُ قالَ علیه السلام: یاعَجَباً لاَقْوامٍ یزْعَمُونَ أَنّا نَعْلَمُ الْغَیبَ!، ما یعْلَمُ الْغَیبَ إِلاَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، لَقَدْ هَمَمْتُ بِضَرْبِ جارِیتِی فُلانَه، فَهَرَبَتْ مِنِّی فَما عَلِمْتُ فِی أَی ِّبُیوتِ الدّارِ هِی؟!...»؛(۱)

«سدیر می گوید: من و ابوبصیر و یحیای بزاز و داودبن کثیر در مجلس نشسته

ص:۵۴

۱- ۶۹. همان، ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۶۵۹، حدیث مفصل است، ادامه اش راجع به غیب و علم الکتاب است که امام علیه السلام در خارج از آن مجلس با تأکید به سدیر فرمودند: واللَّه همه آن نزد ماست، واللَّه همه آن نزد ماست، که این خود حکایت از تقیه در آن مجلس می کند. مراجعه فرمایید.

بودیم که امام صادق علیه السلام با حالت خشم وارد و چون در مسند خویش قرار گرفتند، چنین فرمودند:

شگفتا از مردمی که گمان دارند که ما غیب می دانیم! کسی جز خدای عزّوَجل غیب نمی داند. من می خواستم فلان کنیزم را تنبیه کنم، او گریخت و من نمی دانستم کجای خانه پنهان شده است!؟...».

حدیث ادامه دارد که در پاورقی اشاره شده است.

آری، سینه هرکس تحمّل همه اسرار را ندارد، و شایسته محرم بودن اسرار نمی باشد. امامان علیهم السلام زلال معرفت خویش را با خلوتیان محفل انس خود در میان گذاشته، اما در حضور اغیار لب فرو می بستند. حافظ چه شیرین می گوید:

آن کس است اهل بشارت که اشارت داند

نکته ها هست بسی محرم اسرار کجاست؟

چه جای صحبت نامحرم است مجلس انس

سر پیاله بپوشان، که خرقه پوش آمد.

ص:۵۵

فصل پنجم: شأن و منزلت امام علیه السلام

اشاره

ص:۵۷

امام علیه السلام ناظر و شاهد بر خلق

امامـان علیهم السـلام شـئونی دارنـد، که از جمله آن هـا پیشوایی و رهبری جـامعه است، بیان حلال و حرام، اقامه حـدود الهی، هـدایت گر، والیان امر، خزانه دار علم، خلیفه و امین خـدا هسـتند. امامان، انیس، شـفیق، حِصن و حافظ هسـتند. آن ها، شاهـد، مبشر، فرمان فرما، معلم و حامل وحی هستند. آن ها ناظر و حاکم بر همه حوادث جهان و رفتار انسان ها هستند.(۱)

موضوع گواه بودن پیامبرصلی الله علیه وآله و امام علیه السلام بر امّت، از چند جنبه قابل بررسی است:

۱ - یکی از این جهت که امامـان و پیـامبران علیهم السـلام در ظـاهر و باطن ناظر بر اعمال، افکار، اخلاق و رفتار امّت هسـتند، بنـابراین آنـان عملاًـ گواهـان و شاهـدان اعمـال و زنـد گی ما هسـتند که شـهادت و گواهی راستین آنان، مبنای داوری حق در شایسـتگی ما نسبت به پاداش و کمالات و عقاب خواهـد بود. عرضه اعمال مردم به امامان، در طول دوران زنـد گی، یا حضور امامـان در آخرین لحظات حیات انسان ها و ختم برنامه عملی آنان با حضور امام علیه السـلام اشاره به همین نکته ظریف دارد. در این زمینه به حدیث شریف توجه فرمایید:

«عَنْ سَماعَهَ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «فَکَیفَ إِذا

۱- ۷۰. همان، ج ۱، ص ۲۸۳، ح ۵۱۸.

جِئْنا مِنْ کُلِ ّ أَمَّهٍ بِشَهِیدٍ وَجِئْنا بِکَ عَلی هؤُلآءِ شَهِیداً»(۱) قالَ علیه السلام: نَزَلَتْ فِی أَمَّهِ مُحَمَّدٍعلیهم السلام خاصَّهً، فِی کُلِ ّ قَرْنٍ مِنْهُمْ إِمامٌ مِنّا شاهِدٌ عَلَیهِمْ وَمُحَمَّدٌصلی الله علیه وآله شاهِدٌ عَلَینا»؛(۲)

«سماعه می گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «پس چطور باشد زمانی که از هر امتی گواهی بیاوریم و تو را بر آن ها گواه آوریم» چنین فرمودند:

این آیه تنها به امّت محمّدصلی الله علیه وآله اختصاص دارد. در هر قرنی امامی از ما بر ایشان گواه و ناظر است و حضرت محمّدصلی الله علیه وآله هم گواه و ناظر ماست». (یعنی بر گفتار و کردار ایشان ناظر است و روز قیامت نزد خدا گواهی دهد، پس مراقب باشید و تقوی پیشه کنید که گواهان و شاهدان عادل و مقبولند).

در اصول کافی باب مستقلی تحت عنوان «عرضه اعمال بر پیغمبرصلی الله علیه وآله و ائمه علیهم السلام» شامل ۶ حدیث باز شده است.(۳)

البته ناگفته پیداست که نمی توانیم به اعمال و رفتار و طاعات خود مغرور و متکی باشیم. بلکه تنها باید چشم امید به فیض عفوشان داشته باشیم و بس.

حاشَ للّه که نیم معتقد طاعت خویش

این قدر هست که گه گه قدحی می نوشم

هست امیدم که علی رغم عدو روز جزا

فیض عفوش ننهد بار گنه بر دوشم

«حافظ»

ص:۶۰

۱- ۷۱. سوره نساء، آیه ۴۱.

۲- ۷۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۰، ح ۴۹۱، و نیز در کتاب الحجّه بابی با عنوان «أَنَّ اْلاَئِمَّهَ شُهَداءُاللَّهِ عَلی خَلْقِهِ» شامل ۵ حدیث، {۴۹۱ - (۴۹۵}،آمده است.

۳- ۷۳. همان، ج ۱، ص ۳۱۸،۳۱۹، احادیث ۵۷۴ - ۵۷۹.

۲ – دیگر از این جهت که حضور امامان علیهم السلام در میان خلق، حجّت خداوند را بر آنان تمام می کند. و اینان گواهان صادق خداوند بر امّت ها هستند. که فرمان و هدایت الهی را به مردم ابلاغ نموده، دیگر جایی برای هیچ گونه عذر و بهانه ای باقی نمی ماند. در این زمینه چند حدیث تحت عنوان بابی مستقل در «کتاب الحجّه» نقل شده، که در فصل بعد تعدادی از آن ها ذکر می شود.(۱)

۳ – و جنبه دیگر این که شخص پیامبرصلی الله علیه وآله و امام علیه السلام از آن جهت که یک انسان است به عنوان الگو و اسوه تربیت دینی و الهی، در میان مردم حضور یافته، عملاً بر امکان چنین تربیت و تکاملی، ولو در حدّ وسع انسان ها، یک شاهد زنده به شمار آید.

در این رابطه به حدیثی جالب از مولی الموحدین، امیرالمؤمنین علیه السلام توجه فرمایید:

«قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِي إِماماً لِخَلْقِهِ، فَفَرَضَ عَلَى التَّقْدِيرَ فِي نَفْسِي وَمَطْعَمِي وَمَشْرَبِي وَمَلْبَسِي كَضُعَفآءِ النّاسِ، كَي يقْتَدِي الْفَقِيرُ بِفَقْرِي وَلايطْغِي الْغَنِي غِناهُ»؛(۲)

«امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داد، و بر من واجب کرد که در باره خود، خوراک و نوشیدنی و پوشاکم، مانند مردم مستمند، بر خود تنگ و سخت بگیرم، تا فقیر از فقر من پیروی کند و ثروتمند به وسیله ثروتش سرکشی و طغیان ننماید».

۱- ۷۴. همان، ج ۱، ص ۲۵۰، احادیث، ۴۳۸ – ۴۴۱.

۲- ۷۵. همان، ج ۲، ص ۲۷۲، ح ۱۰۷۱، و نیز احادیث، ۱۰۷۲ – ۱۰۷۵. در این خصوص است.

امام علیه السلام وارث همه انبیاعلیهم السلام است

از آنجا که امامت، استمرار نبوّت بوده، و با نبوّت اتصال و ارتباط بلافصل دارد؛ پس امام علیه السلام، وارث بحق علوم و کتب همه انبیاءعلیهم السلام است. ارتباط و پیوند مقام ولایت و امامت، با مقام نبوّت و رسالت، یک ارتباط و پیوند عینی و وجودی است، لذا امام هر عصری با حقایق و معارف همه انبیاءعلیهم السلام آشنا خواهد بود. این وراثت در زبان احادیث و اخبار به صورت های گوناگون جلوه کرده است که به مواردی از آن ها اشاره می شود:(۱)

«عَن اَحْمَدَ بْنِ عُمَر قالَ: سَأَلْتُ أَبَاالْحَسَنِ الرِّضاعلیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ الَّذِینَ اصْطَفَینا مِنْ عِبادِنا...» اَلایه.(۲)

قالَ: فَقالَ علیه السلام: وُلْدُ فاطِمَهَ عَلَیهَاالسَّلام...»؛(۳)

«احمدبن عُمر می گوید: از امام رضاعلیه السلام در مورد آیه شریفه: «ثُمَّ أَوْرَثْنَاالْکِتابَ الَّذِینَ اصْطَفَینا مِنْ عِبادِنا...» سؤال کردم، که برگزیدگان چه کسانی هستند؟ فرمودند: فرزندان فاطمه علیهم السلام هستند.

در رابطه با همین آیه در فراز آخر حدیث مفصّلی از امام مُوسَی بن جَعْفَرعلیه السلام چنین آمده است:

«... قالَ علیه السلام... فَنَحْنُ الَّذِینَ اصْطَفانَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَوْرَثَنا هذَا الَّذِی فِیهِ تِبْیانُ کُلِّ شَیءٍ»؛(۴)

۱- ۷۶. اقتباس از کتاب فلسفه امامت، سید یحیی یثربی، ص ۶۵.
۲- ۷۷. سوره فاطر، آیه ۳۲. {آنگاه ما این کتاب را به برگزیدگان از میان بندگان خود به ارث دادیم}.
۳- ۷۸. اصول کافی،ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۵۵۹.
۴- ۷۹. همان،ج ۱،ص ۳۲۹، ح ۵۹۹.

«... فرمودنـد: و مـاییم کسـانی که خـدای عزّوجلّ انتخابمان کرده و این کتاب را که بیان همه چیز در آن می باشـد، برای ما به ارث گذاشته است.

همچنین در این زمینه به حدیثی زیبا که از امام صادق علیه السلام در کافی نقل شده، دقّت فرمایید:

«عَنْ فُضَیل بْنِ یسارٍ قالَ: سَـمِعْتُ أَبا عَبْدِاللَّهِ علیه السلام یقُولُ: إِنَّ فِی عَلِی علیه السلام سُنَّهَ أَلْف نَبِی مِنَ الْأَنْبِیاءِ وَإِنَّ الْعِلْمَ الَّذِی نَزَلَ مَعَ آدَمَ لَمْ یرْفَعْ وَماماتَ عالِمٌ فَذَهَبَ عِلْمُهُ وَالْعِلْمُ یتَوارَثُ»؛(۱)

«فضـیل می گوید، شـنیدم امام صادق علیه السـلام می فرمودند: در علی علیه السلام سنت هزار پیغمبرعلیهم السلام بود (چنانچه پیغمبرصلی الله علیه وآله فرمودند: هر که خواهد علم آدم علیه السلام، عبادت نوح علیه السلام، خلیل بودن ابراهیم علیه السلام، وقار و ابّهت موسی علیه السلام و زهد عیسی علیه السلام را ببیند، به علی بن ابی طالب علیه السلام نظر کند) و علمی که با آدم علیه السلام فرود آمد، بالا نرفت و هر عالمی بمیرد علمش نمی میرد بلکه علمش به ارث منتقل می شود».

در همین رابطه احادیث دیگری نیز از صادقَین علیهما السلام نقل شده است.(۲)

در خصوص ارث بردن ائمه علیهم السـلام علوم انبیا و اوصـیاعلیهم السلام را باب مستقلی در «کتاب الحجّه» اصول کافی تحت همین عنوان مشتمل بر ۷ حدیث شریف، اختصاص داده شده است. که به ذکر آدرس اکتفا می شود، ملاحظه فرمایید.(۳)

ص:۶۳

۱- ۸۰. همان، ج ۱، ص ۳۲۲، ح ۵۸۸.
۲- ۸۱. همان، ج ۱، ص ۳۲۲،۳۳۳، ح ۵۸۹ - ۵۹۲.
۳- ۸۲. همان، ج ۱، ص ۳۲۴ - ۳۲۹، {شامل ۷ حدیث} و همچنین از صص ۳۳۵ - ۳۵۰، احادیثی (از ۶۱۱ - ۶۳۵. مبنی بر این که آیات و نشانه های انبیاء گذشـته علیهم السـلام از قبیل؛ سلاح پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله، الواح تورات و عصای موسی علیه السـلام، خاتم سـلیمان علیه السلام، پیراهن یوسف علیه السلام، نامه های مهر شده، صحیفه جفر، جامعه و... نزد ائمه علیهم السلام است، نقل شده است.

امام علیه السلام به همه کتب آسمانی به هر زبانی که باشد آگاهی دارد

امام علیه السلام و حجّت خدا به مقتضای کمال وجودی، بایستی به همه علوم و کتب آسمانی گذشتگان اشراف و احاطه داشته باشند. چه این که اگر غیر از این باشد نقص است و نقص با کمال قابل جمع نیست و لذا حجّت الهی علیه السلام از هرگونه نقص و کاستی به دور است.

به حدیثی از امام صادق علیه السلام در این زمینه توجه فرمایید:

«عَنْ هِشامِ بْنِ الْحَکَمِ فِی حَدِیثِ بُرَیهْ(۱) أَنَّهُ لَمّا جاءَ مَعَهُ إِلی أَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام... قالَ علیه السلام: هِی عِنْدَنا وِراثَةً مِنْ عِنْدِهِمْ نَقْرَؤُها کَما قَرَؤُوها وَنَقُولُها کَما قالُوا، إِنَّ اللَّهَ لایجْعَلُ حُجَّةً فِی أَرْضِهِ یسْأَلُ عَنْ شَی ءٍ فَیقُولُ لا أَدْرِی»؛(۲)

«چون هشام بن حکم با بُریه قصد تشرف به خدمت امام صادق علیه السلام را داشتند، به حضرت موسی بن جعفرعلیه السلام برخوردند، هشام داستان بریه را برای آن حضرت نقل کرد، حضرت ابوالحسن علیه السلام به بریه فرمودند: ای بریه عِلمت به کتاب دینت تا چه حدّ است؟ گفت: آن را می دانم. فرمودند: تا چه حدّ اطمینان داری که معنی و تأویلش را بدانی؟ گفت: آن را خوب می دانم و بسیار اطمینان

۱- ۸۳. بُرَیه مصَغر ابراهیم است و در بعضی از نسخ کافی بریهه ضبط شده است. مرحوم مجلسی قدس سره در مرآت العقول، ج ۱، ص ۱۷۰، داستان او را از توحید صدوق قدس سره بتفصیل نقل می کند... بریه از دانشمندان بزرگ هفتاد ساله نصاری بود که بوجود او افتخار می کردند و او مدتی بود که عقیده اش نسبت به دین مسیح علیه السلام سست شده بود و در جستجوی دین حق بود و با بسیاری از مسلمین مباحثه کرده، ولی چیزی بدست نیاورده بود... شیعیان او را به هشام به حکم معرفی کردند...، به نقل از اصول کافی، ترجمه جناب آقای مصطفوی، ج ۱، ص ۳۳۰. {خلاصه داستان او در ترجمه حدیث آمده است}.

۲- ۸۴. همان، ج ۱، ص ۳۲۹،۳۳۰ ح ۶۰۰.

دارم، و سپس امام علیه السلام شروع به خواندن انجیل فرمودند، بریه گفت: پنجاه سال است که من در طلب و جست و جوی شما یا مانند شما هستم، هشام گفت: او به خدا ایمان آورد و خوب هم ایمان آورد و زنی هم که همراه او بود، ایمان آورد، سپس هشام و بریه و آن زن خدمت امام صادق علیه السلام مشرف شدند، هشام گفت و گوی میان حضرت ابوالحسن علیه السلام و بریه را نقل کرد، امام صادق علیه السلام آیه شریفه: «ذُرِّیهٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعضٍ وَاللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ»؛(۱)

«نژاد ابراهیم و عمران علیهما السلام بعض آن از بعض دیگر است و خدا شنوا و داناست» را قرائت فرمودند، بریه گفت: تورات و انجیل و کتب پیغمبران علیهم السلام از کجا به شما رسیده؟! امام صادق علیه السلام فرمودند: همه کتب آسمانی انبیای گذشته علیهم السلام نزد ماست، این ها را از آنان به ارث برده ایم، چنان که آنان می خواندند، ما هم می خوانیم، و همانند آنان که بیان می کردند ما نیز بیان می کنیم، خداوند هیچ حجّتی را در روی زمین قرار نمی دهد که چیزی از او بپرسند و او بگوید: نمی دانم (بلکه همه چیز را می دانند به اذن خدا). این است معنی پیوند و اتصال حقیقی انبیا و اوصیا و امامان علیهم السلام با یکدیگر.

امام علیه السلام مخاطب وحی و حامل قرآن است

حقیقت وحی الهی، چیزی است که افراد معمولی، ظرفیت درک و تحمل آن را ندارند، و چون قرآن کتاب همیشگی و زنده انسان هاست، پس مخاطب حقیقی آن نیز باید همیشه وجود داشته باشد. و این مخاطب حقیقی که قلب

۱- ۸۵. سوره آل عمران، آیه ۳۴.

و روحش بستر و جایگاه وحی است بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله کسانی جز امامان علیهم السلام یکی پس از دیگری تا امام عصرعلیه السلام نمی توانند باشند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

امام سجادعلیه السلام در مورد آیه شریفه: «إِنّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیلَهِ الْقَدْرِ...»(۱)

فرمودند: «قرآن در شب قدر نازل شده و طبق خبر قرآن، در شب قدر فرشتگان و جبرئیل علیه السلام فرود آمده، امر و فرمان خداوند را در موارد مختلف با خود می آورند. حالا اگر پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله زنده نبود، باید گفت که دیگر شب قدری نیست؟! چنین دیدگاه انحرافی گریبان گیر مخالفان شده است. و این نوعی عقب گرد است! و اگر بگویند باز هم جریان شب قدر ادامه دارد، خود به خود اقرار کرده اند که باز هم امری از طرف خدا بر زمین فرود می آید؛ و چون نزول «امر» را پذیرفته اند، به ناچار باید وجود «صاحب امر» را که همان مخاطب امر و الهام و حقایق غیبی است، بپذیرند.(۲)

این جریان مستمر وحی و الهام و بقاء استمرار قرآن و شب با برکت قدر، جز با پذیرش وجود کسی که حامل و محل نزول وحی و مخاطب آن ها باشد، قابل تصور نیست و چنین شخصی همان امام عصرعلیه السلام می باشد.

امام علیه السلام مترجم حقیقی وحی الهی

امام علیه السلام که در هر عصری در اوج کمالات وجودی قرار دارد، طبعاً نسبت به

۱- ۸۶. سوره قدر، آیه ۱.
۲- ۸۷. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۱، ح ۶۴۰، و نیز حدیث ۴۹۸.. و همچنین احادیث ۶۳۷ - ۶۴۵ باب «فِی شَأْنِ اِنّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیلَهِ الْقَدْرِ وَتَفْسِیرِها» که دارای ۹ حدیث مفصل است در این زمینه می باشد.

معانی ظاهر، باطن و تأویلات قرآن، داناترین فرد روزگار خویش است. و تمام علم الکتاب نزد امام علیه السلام است و کسی را نرسد که چنین ادعایی داشته باشد.

امام باقرعلیه السلام فرمودند:

«مایسْتَطِیعُ أَحَدٌ أَنْ یدَّعِی أَنَّ عِنْدَهُ جَمِیعُ الْقُرآنِ کُلِّهِ ظاهِرِهِ وَباطِنِهِ غَیرَ الْاَوْصِیآء»؛(۱)

«جز اوصیاء پیغمبرعلیهم السلام کسی نمی تواند و قادر نیست که ادّعا کند ظاهر و باطن تمام قرآن نزد اوست».

ملا صدرارحمه الله در بحث از ظاهر و باطن قرآن، می گوید:

«حقیقت قرآن نیز مانند حقیقت انسان، دارای هفت بطن است. چنان که از ظاهر انسان که مشتی گوشت و پوست و استخوان است، تا باطن او که جامع همه مراتب هستی و حقایق مادی و معنوی است، هفت بطن و هفت مرحله و هفت شهر و وادی است.(۲)

از ظاهر قرآن هم که مقداری صوت و حرف است تا باطن آن که عین ظهور و جلوه حضرت حق است، هفت مرحله و بطن است. و لذا هر بطنی اهلی و حاملی دارد. آن که در مقام طبع و نفس از بطون انسانی است ن از قرآن جز صوت و لفظ بهره ای نبرد. اما سرّ و لُب قرآن، که عین حکمت است، تنها نصیب اهل لُب و بصیرت است، آنان که صاحب حکمت اند. و حکمت جز به عطا و موهبت الهی به دست نیاید.

۱- ۸۸. همان، ج ۱، ص ۳۳۲، ح ۶۰۳، و نیز حدیث های ۶۰۴ - ۶۰۷.

۲- ۸۹. عرفا این حقیقت را چنین عنوان کرده اند، طبع، نفس، قلب، روح، سر، خفی و اخفی.

امّا قرآن، با اقتضای رحمت عام الهی، با این درجات و مراتب و بطون، به گونه ای است که هر کسی بتواند در حدّ خود از این خوان آسمانی رزقی بخورد و سهمی ببرد».(۱)

امام علیه السلام ولی امر خدا و خزانه دار علم اوست

یکی دیگر از شؤون امام علیه السلام به لحاظ سعه وجودی و کمال مطلق، این که ظرف وجودی امام علیه السلام است که گنجایش و تحمل خزانه داری علم خدا را دارد و ولی امر (امامت و خلافت) او در زمین و آسمان است.

«عَنْ عَبْدِالرَّحْمنِ بْنِ کَثِیرٍ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللَّهِ علیه السلام یقُولُ: نَحْنُ وُلاهُ أَمْرِاللَّهِ وَخَزَنَهُ عِلْمِ اللَّهِ وَعَیبَهُ وَحْی اللَّهِ»؛(۲)

وجوب اطاعت امام علیه السلام

براساس انحصار شایستگی بیعت با امام معصوم منتخب خدا نه مردم، بیعت و اطاعت چنین امامی عقلاً و شرعاً واجب خواهد بود. زیرا با وجود رهبری معصوم، پیروی از غیر معصوم به هیچ وجه معقول و قابل توجیه نیست. مرحوم کلینی قدس سره در کتاب شریف کافی بابی تحت عنوان «فَرْضُ طاعَهِ الْاَئِمَّه» باز کرده است، که به ذکر یکی از احادیث باب اکتفا، و بقیه را ارجاع می دهیم. به حدیثی از امام رضاعلیه السلام توجه فرمایید:

«عَن مُحَمَّدِ بْنِ زَیدٍ الطَّبَرِی قالَ: کُنْتُ قائِماً عَلی رَأْسِ الرِّضاعلیه السلام

ص:۶۸

۱- ۹۰. صدرالمتألهین، الاسفار اربعه، چاپ بیروت، ج ۷، ص ۳۶ - ۴۶، به نقل از؛ فلسفه امامت، سید یحیی یثربی، ص ۶۹،۷۰.

۲- ۹۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۵۰۰، و نیز ص ۳۲۰،۳۲۱، ح ۵۸۲ - ۵۸۴.

بِخُراسان وَعِنْدَهُ عِدَّهٌ مِنْ بَنِی هاشِمٍ وَفِیهِمْ إِسْحاق بْن مُوسَی بْنِ عِیسی الْعَبّاسی فَقالَ علیه السلام: یا إِسْحاقُ! بَلَغَنِی أَنَّ النّاسَ یقُولُونَ: إِنّا نَزْعَمُ أَنَّ النّاسَ عَبِیدٌ لَنا، لا وَ قِرابَتِی مِنْ رَسُولِ اللّه صلی الله علیه وآله ما قُلْتُهُ قَطُّ وَلاسَمِعْتُهُ مِنْ آبائِی قالَهُ وَلابَلَغَنِی عَنْ أَحَدٍ مِنْ آبائِی قالَهُ؛ وَلکِنِّی أَقُولُ: النّاسُ عَبِیدٌ لَنا فِی الطّاعَهِ، مُوالٍ لَنا فِی الدِّینِ، فَلْیبَلِّغِ الشّاهِدُ الْغآئِبَ»؛(۱)

«محمّد بن زید طبری می گوید: من در خراسان در حضور امام رضاعلیه السلام به خدمت ایستاده بودم و جمعی از بنی هاشم که اسحاق بن موسی در میان آن ها بود، نیز خدمت آن حضرت بودند. امام علیه السلام فرمودند:

ای اسحاق! به من خبر رسیده که مردم(اهل سنت) می گویند: ما عقیده داریم که مردم برده ما هستند، نه، سوگند به خویشاوندی و قرابتی که با پیامبرصلی الله علیه وآله دارم، نه من هرگز این چنین سخنی گفته ام و نه از پدرانم علیهم السلام شنیده ام و نه به من خبر رسیده که یکی از آن ها گفته باشند، ولی من می گویم مردم بنده فرمان و فرمانبر ما هستند؛ یعنی اطاعت ما بر آنان واجب است. در دیانت باید از ما پیروی کنند، حاضران به غائبان برسانند سخن این است و بس».

در کتاب الحجّه کافی در باب «تسلیم و فضیلت مسلمین» در حدیثی به نقل از امام باقرعلیه السلام نیز چنین آمده است:

«عَنْ سُدَیرٍ قالَ: قُلْتُ لَأبِی جَعْفَرٍعلیه السلام: إِنِّی تَرَکْتُ مَوالِیکَ مُخْتَلِفِینَ، یتَبَرَّأُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ قالَ: فَقالَ علیه السلام: وَما أَنْتَ وَذاکَ، إِنَّما کُلِّفَ النّاسُ ثَلاثَهً:

۱- ۹۲. همان، ج ۱، ص ۲۶۵، ح ۴۸۳، و نیز صص ۲۶۲ - ۲۶۹، حدیث های ۴۷۴ - ۴۹۰،{۱۶ حدیث دیگر بجز ح (۴۸۳)}.

مَعْرِفَهُ اْلأئِمَّهِ وَالتَّسْلِيمُ لَهُمْ فِيما وَرَدَ عَلَيهِمْ وَالرَّدُ إِلَيهِمْ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ»؛(۱)

«سدیر می گوید، به امام محمّد باقرعلیه السلام عرض کردم: من دوستان شما را در حالی ترک کردم (و به سوی شما آمدم) که اختلاف داشتند و از یکدیگر بیزاری می جستند، امام علیه السلام فرمودند: تو را با وضع آنان چکار؟!

همانا مردم به سه چیز تکلیف دارند:

شناختن امامان علیهم السلام؛

سر فرود آوردن در مقابل فرمانشان؛

و مراجعه به آن ها برای حل اختلافاتشان».

مهر پاکان در میان جان نشان

دل مده الا به مهر پاکشان

«مولوی»

۱- ۹۳. همان، ج ۲، ص ۲۳۵، ح ۱۰۰۹، و نیز در باب تسلیم، حدیث های،۱۰۱۰ - ۱۰۱۶، قابل ملاحظه است.

فصل ششم: آثار امامت

آثار امامت

ص:۷۱

امامت، آثاری بس با عظمت درپی دارد که قابل توصیف نبوده، و در کلام انسان نمی گنجد؛ از جمله: امام علیه السلام وسیله هدایت خلق، نجات بشر از گمراهی، حیات و زندگی ابدی در سایه اطاعت از او، اکمال دین، اتمام نعمت، رحمت، رسیدن به کرامت، فیض و ثواب دنیوی و اخروی و...

اطاعت و پیروی امام علیه السلام، در ظاهر و یا باطن و در امور مربوط به دنیا و آخرت، موجب سعادت و نجات انسان از عذاب الهی شده، و مخالفت با امام علیه السلام موجب عقاب الهی می شود.

«عَنِ الْبَرْقِی،... عَن أَبِی عَبداللَّه علیه السلام:... فَمَنْ وَفی لَنا، وَفَی اللَّهُ لَهُ بِالْجَنَّهِ، وَمَنْ اَبْغَضَنا وَلَمْ یؤَدِّ إِلَینا حَقَّنا، فَفِی النَّارِ خالِداً مُخَلَّداً»؛(۱)

«امام صادق علیه السلام فرمودند:... هر کس وفادار به عهد ما باشد، خداوند به وعده اش وفا کرده، او را بهشت می بخشد، و هر که ما را دشمن دارد و حق ما را ادا نکند، همیشه در آتش خواهد بود».

همان طور که ملاحظه می کنید، نتیجه و اثر وفا داری به عهدی که برای امام علیه السلام به عهده امّت است، نجات از آتش و عذاب و ثمر و نتیجه دشمنی و عهدشکنی معذب و مخلد بودن در آتش است.

ص:۷۳

۱- ۹۴. همان، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۰۴۶ و ۱۰۴۸.

استقرار و ثبات زمین به برکت وجود امام علیه السلام

همان طور که در فصل های قبل گذشت چنان که امام علیه السلام نباشد، زمین استقرارش را از دست داده، اهلش را فرو می برد و نابود می شود. از عبارت حدیث ذیل از امام صادق علیه السلام چنین استفاده می شود که ثبات و سامان جهان هستی، از فیض و برکت وجود و حضور امام علیه السلام است.

«عَنْ اَبی عَبْدِاللّه علیه السلام قالَ: لَوْ بَقِیتِ الأَرْضُ بِغَیرِ اِمامٍ لَساخَتْ»؛(۱)

«اگر زمین بدون امام باشد، جهان هستی از هم فرو می پاشد».

نه در انجم حرکت بود و نه در قطب سکون

گر نبودی به زمین خاک نشینانی چند(۲)

امام علیه السلام واسطه فیض الهی

زندگی و حیات این جهان به طفیل وجود امام معصوم علیه السلام بوده، چنانچه امام علیه السلام نباشد، فیض هستی قطع شده، جهان از هم فرو می پاشد، به حدیث ذیل دقت فرمایید:

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیلِ، عَنْ أَبِی اْلحَسَنِ الرِّضاعلیه السلام قالَ: قُلْتُ لَهُ: أَتَبْقی اْلأَرْضُ بِغَیرِ إِمامٍ؟ قالَ علیه السلام: لا؛ قُلْتُ: فَإِنّا نَرْوی عَنْ أَبی عَبْدِاللّهِ علیه السلام أَنَّها لاتَبْقی بِغَیرِ إِمامٍ إِلاَّ أَنْ یسْخَطَ اللّهُ تَعالی عَلی أَهْلِ اْلأَرْضِ أَوْ عَلَی الْعِبادِ، فَقالَ علیه السلام: لا؛ لا تَبْقی إِذاً لَساخَتْ»؛(۳)

ص:۷۴

۱- ۹۵. همان،ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۴۵۱.

۲- ۹۶. دیوان حاج ملاهادی سبزواری رحمه الله، به نقل از فلسفه امامت، سید یحیی یثربی، ص ۸۷.

۳- ۹۷. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۴۵۲، و نیز احادیث ۴۵۳،۴۵۴، در این زمینه است.

«محمّد بن فضیل می گوید، به امام رضاعلیه السلام عرض کردم: آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟

فرمودنـد: نه، گفتم: از امـام صـادق علیه السـلام برای مـا روایت شـده که زمین بـدون امـام علیه السـلام نباشـد، مگر زمین و یا بندگان مورد خشم خداوند قرار می گیرند.

فرمودند: نه، اصلاً زمین و بشری باقی نمی ماند، همه از بین می رفتند».

روشن است که جهـان هستی بـدون امـداد و فیض الهی، عـدم محض و نیستی خواهـد بود. و در جـای خود نیز ثـابت است که واسطه فیض الهی، ائمه معصومین علیهم السلام هستند و لاغیر، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

چون کاینات، جمله به بوی تو زنده اند

ای آفتاب! سایه ز من بر مدار هم

چون آبروی لاله و گل فیض حسن توست

ای ابر لطف! بر من خاکی ببار هم(۱)

اعجاز و کرامت امام علیه السلام

امام علیه السـلام در مقام علم و عمل، چنان است که دیگران نمی توانند آن طور باشند. این مطلب در موارد متعددی، از سوی امامان معصوم علیهم السـلام بیان شده است. برتری امامان علیه السلام از نظر علمی، عملی ... و امور خارق العاده بسیار بوده، و با توجه به شأن، مقام، عظمت، صـفات و ویژگی هایی که امام علیه السـلام دارد، واضح است که امام علیه السلام می تواند در صورت لزوم در حوادث جهان تصرف

۱- ۹۸. حافظ، دیوان.

نموده، آن ها را طبق اراده خود تغییر دهـد. که در جای خود آثار بی شـماری به دنبال خواهد داشت. به جهت اختصار به چند مورد اشاره می کنیم:

- به حرکت در آوردن و سـخن گفتن درخت «اُمِّ غِیلاـن» توسـط امام موسـی بن جعفرعلیه السـلام و اقرار درخت به امامت آن حضرت علیه السلام؛(۱)

- سخن گفتن عصا در دست امام محمّد تقی علیه السلام و اقرار به امامت آن حضرت علیه السلام؛(۲)

- شفادادن پای بیمار (حسین بن عُمَربن یزید) توسط امام رضاعلیه السلام؛(۳)

- حضرت رضاعلیه السلام با سر انگشت خود خانه را روشن کردند (ید بیضاء)؛(۴)

- تصرف آن حضرت علیه السلام در ماده و شمش طلا؛(۵)

- پاسخ دادن امامان علیهم السلام به مسائل علمی دشوار؛

- آگاهی آنان از غیب؛

به نحوی است که نقـل آن در کتب حـدیثی به حـدّ تواتر رسـیده است. که به لحـاظ اختصـار فقط آدرس برخی، برای مراجعه ذکر می شود؛ از جمله در حدیث های شـماره ۶۵۰ تا ۶۷۰، از اصول کافی، مواردی از معجزات و غیب آمـده، و بابی با عنوان «نادِرٌ فِیهِ ذِکْرُ اْلغَیبِ» در «کتاب الحجّه» نیز در این خصوص اختصاص داده شده است.(۶)

۱- ۹۹. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۳،۱۶۴، ح ۹۲۰، که حدیث مفصل، جالب و خواندنی است.

۲- ۱۰۰. همان، ح ۹۲۱.

۳- ۱۰۱. همان، ح ۹۲۲، حدیث در خصوص سؤال و محاجّه فردی واقفی مذهب است، که امام رضاعلیه السـلام پس از پاسـخ مسائل او خبر بیماری را به وی دادند و سال بعد به درخواست بیمار شفایش دادند.

۴- ۱۰۲. همان، ص ۴۰۴، ح ۱۲۹۲، و نیز حدیث های ۱۲۹۴،۱۲۹۳،۱۲۹۱، از اخبار غیبی است.

۵- ۱۰۳. همان، ج ۲، ص ۴۰۶، ح ۱۲۹۵. و نیز احادیث ۱۲۹۷ - ۱۳۰۰، از اخبار غیبی و معجزات امام رضاعلیه السلام است.

۶- ۱۰۴. همان. ج ۱، صص ۳۷۴ - ۳۸۷، احادیث ۶۵۰ - ۶۷۰.

همه این هـا به عنوان آثـار و لوازم غیر عادی، از وجود امام علیه السـلام سرچشـمه می گیرنـد، که از نظر کمالات وجودی، در درجـه ای غیر عـادی قرار دارد. آنچـه از امـام علیه السـلام مطلـوب است، هـدایت علمی و معرفـتی مردم است. چنـان که بعثت انبیاعلیهم السلام به همین منظور است. اما چرا پیامبران و امامان علیهم السلام دارای قدرت فوق العاده ای هم هستند که از آثار این قـدرت، با عنوان «اعجاز» یا «کرامت» تعبیر می کنند؟ به عبارت دیگر آن علم و این قدرت، چه ارتباطی به همدیگر داشـته، چرا لازم و همراه هم اتفاق می افتند؟

ابن سـینارحمه الله درباره ارتباط این ها می گویـد: «واجب و لازم است که پیامبرصـلی الله علیه وآله [و امام علیه السـلام دارای خصوصیتی باشد که دیگران آن را نداشته باشند، تا مردم او را، دارای حقیقتی بدانند که خودشان واجد آن نیستند، پس با این خصوصیت او را از مردم دیگر تشخیص داده و بشناسند، پس باید او دارای معجزاتی بوده باشد».(۱)

امام علیه السلام هدایت گر انسان ها

با عنایت به این که امام علیه السـلام انسان کامل و دارای علوم اوّلین و آخرین بوده، و آگاه به زمان و سعادت دنیوی و اخروی بشـر و دارای عصـمت است، و از طرفی بشـر نیازمند هدایت است و در جای خود اضطرار به حجّت الهی منتخب خدا نیز ثابت شد، امام معصوم علیه السلام هادی بشر است، نه کسی دیگر.

از امام محمّد باقرعلیه السلام سؤال کردند، که منظور از «مُنْذِر» و «هادِی» در آیه

۱- ۱۰۵. شـفا، الهیـات، مقـاله دهم، فصـل دوّم و نجات، چاپ دانشـگاه تهران، ص ۷۱۰، به نقل از؛ فلسـفه امامت، سـید یحیی یثربی، ص ۱۱۱،

شریفه: «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكَلِّ قَوْمٍ هادٍ)(۱) چیست؟

«...فَقالَ علیه السلام: رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله الْمُنْذِرُ وَلِكُلِ زَمانٍ مِنّا هادٍ يهْدِيهِمْ إِلى ما جآءَ بِهِ نَبِى اللَّهِ، ثُمَّ الْهُداهُ مِنْ بَعْدِهِ عَلِى ثُمَّ الْأَوْصِياءُ واحِدَاً بَعْدَ واحِدٍ»؛(۲)

«امام باقرعلیه السلام فرمودند: «منذر، (بیم دهنده) پیامبرصلی الله علیه وآله است و برای مردم در هر عصری از ما اهل بیت هدایت گری می باشد که آن ها را به آنچه پیامبرصلی الله علیه وآله آورده است، راهنمایی و هدایت می کند، رهبران بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله اوّل علی علیه السلام است و پس از ایشان جانشینانش یکی پس از دیگری هادی مردم هستند».

گرچه هدایت گری از جمله شؤون امام علیه السلام است، ولی با کمی تأمل و دقت به نتیجه کار، یعنی هدایت پذیری که نجات امّت اسلامی از گمراهی را در پی دارد، در می یابیم که این مقوله از جمله آثار امامت هم بشمار می رود.

۱-امام علیه السلام حجّت خدا بر خلق

بدیهی است، انسان ها را که دائماً در معرض خطا و نسیان بوده، گرفتار شهوت، غضب، هوا و هوس می باشند، نمی توان بدون هدایت و اتمام حجت، مؤاخذه نمود، و مستحق کیفر و عذاب الهی دانست، و این عامل هدایت، وقتی می تواند در مسیر حرکت انسان ها مؤثر باشد که از طرق مختلف، از جمله با معرفی پیامبرصلی الله علیه وآله و یا امام قبل از خود و نیز بوسیله معجزه و کرامت برای مردم قابل شناسایی باشد. و امام علیه السلام آن کسی است که رسالتِ

۱- ۱۰۶. سوره رعد، آیه ۷، {تو هشدار دهنده ای و هر گروهی را رهبری است}.

۲- ۱۰۷. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۲، ح ۴۹۷، و نیز روایت های ۴۹۸،۴۹۶و۴۹۹.

هدایت مردم را بعهده داشته، و به آن ها معرفی شده، و از علائم امامت برخوردار باشد. در این صورت است که حجّت خدا بر خلق می باشد. و موجب سقوط هرگونه عذر و بهانه متخلفان می گردد.

در این رابطه از امام ششم، هفتم و هشتم علیهم السلام چنین روایت شده، که فرمودند:

«...إِنَّ الْحُجَّهَ لاتَقُومُ للّهِ ِعَلی خَلْقِهِ إِلاَّ بِإمامٍ حَتّی یعْرَفَ»؛(۱)

«همانا حجّت خدا بر خلقش تمام نگردد، جز بوجود امام علیه السلام تا شناخته شود».

توضیح این که؛ خداوند در قیامت نمی تواند به مردم بگوید چرا چنین کردید و چنان نکردید، مگر این که در دنیا برای آن ها امام و پیشوایی فرستاده، که با نصوص و معجزات، امامت او برای مردم ثابت شده باشد و وظایف مردم را به آن ها رسانده، خدا و دین را برای آنان معرفی و ابلاغ کرده باشد. در غیر این صورت قُبح عقاب بلابیان پیش می آید.

نتیجه کوتاهی در شناخت و پذیرش امام علیه السلام

با عنایت به ضرورت شناخت امام نورعلیه السلام اگر کسی در انجام این وظیفه سنگین قصور کند، بی شک دینداری، اعمال و عباداتش هر چند سنگین و پر زحمت باشد، بدون پذیرش و پیروی از رهبری معصوم علیه السلام، ارزش و قدر و منزلتی ندارد. بلکه موجب گمراهی و حیرت نیز خواهد شد. انسان بایستی

۱- ۱۰۸. همان، ج ۱، ص ۲۵۰، حدیث های ۴۳۸ - ۴۴۱. و نیز؛ ح ۴۴۲، که امام صادق علیه السلام فرمودند: حجت خدا پیش از خلق بوده، و با خلق می باشد، و بعد از خلق هم خواهد بود.

اولاً خودش طالب شناخت امامش باشد، سپس با همت عالی تلاش در زمینه کسب معرفت نماید تا قرین عنایت خداوند نیز گردد.

ذره را تا نبود همت عالی حافظ

طالب چشمه خورشید درخشان نشود

در این رابطه به حدیث ذیل توجه فرمایید:

«عَنْ مُحَمَّدِبْنِ مُسْلِمٍ قالَ: سَمِعْتُ أَباجَعْفَرٍعليه السلام يقُولُ: كُلُّ مَنْ دانَ اللَّهَ بِعِبادَةٍ يجْهَدُ فِيها نَفْسَهُ وَلا إِمامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعْيهُ غَيرُ مَقْبُولٍ، وَهُوَ ضالٌّ مُتَحَيرٌ وَاللَّهُ شانِئٌ لِأَعْمالِهِ...»؛(۱)

«محمّد بن مسلم می گوید: شنیدم امام باقرعلیه السلام می فرمودند: هرکه دین داری خدا کند با عبادتی که خود را در آن عبادت به زحمت افکند ولی به رهبر و پیشوایی از جانب خدا، معتقد و وابسته نباشد، سعی و تلاش او مقبول درگاه حق نبوده، و او گمراه و سرگردان شده، و اعمالش مورد پسند خداوند قرار نخواهد گرفت».

در «اصول کافی» بابی در این خصوص، شامل چند حدیث با تعبیرهای دیگر آمده است.(۲)

۱- ۱۰۹. همان، ج ۲، ص ۲۰۴، ح ۹۶۵.

۲- ۱۱۰. همان، ج ۲، ص ۲۰۳ - ۲۰۶، حدیث های،۹۶۶،۹۶۴ - ۹۶۸.

فصل هفتم: امامت مهدی موعودعلیه السلام

اشاره

ص:۸۱

پیشینه مهدی باوری

... مسلمانان از سپیده دم طلوع خورشید اسلام تا کنون، حقانیت بشارت نبی مکرّم اسلام صلی الله علیه وآله به ظهور مردی از خاندان شریف خود در آخر الزّمان به نام مهدی علیه السلام را باور داشته اند، همو که پس از پر شدن جهان از ظلم، ستم و بی عدالتی، عدل و قسط را بر پهنه این کره خاکی خواهد گسترد ان شاء اللّه.

بنابراین چشم انتظاری و لحظه شماری برای ظهور مهدی موعودعلیه السلام در طول قرون متمادی در میان آحاد امّت اسلامی استمرار یافته و مسلمانان بر این عقیده پای فشرده اند و تنها افراد انگشت شماری از پیکره جامعه اسلامی جدا گشته و دچار انحراف شده و نسبت به عقیده مقدس و سازنده ن راه خطا پیموده اند. انحرافی که محصول تقلید منفعلانه از نوشته ها و نظرات خالی از حقیقت و مغرضانه مستشرقان بوده است... .(۱)

«مهدی باوری» ایده فرا اسلامی و جهانی

توضیح

ایده ظهور منجی بزرگ که با خروج خود، عدل و قسط، و گشایش و آسایش را در مقطع پایانی تاریخ حیات انسان، به ارمغان خواهد آورد و به

۱- ۱۱۱. ر.ک؛ کتاب «در انتظار ققنوس»، ص ۴۳، ترجمه و تحقیق: مهدی علیزاده.

ستم و تجاوز ظالمان... پایان خواهد بخشید و دولت کریمه عدل پرور و دادگستری را بنیان خواهد نهاد، عقیده ای است که پیروان ادیان سه گانه ابراهیمی و بخش چشم گیری از سایر ملل بدان ایمان داشته و دارند.

به عنوان مؤید این مطلب در بخشی از زیارت حضرت صاحب الامرعلیه السلام در مفاتیح الجنان چنین آمده است:

«...اَلسَّلامُ عَلَی الْمَهْدِی الَّذِی وَعَدَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الاُمَمَ أَنْ یجْمَعَ بِهِ الْکَلِمَ وَیلُمَّ بِهِ الشَّعَثَ وَیمْلَأَ بِهِ الأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً...».

«... سلام بر مهدی آن که خدای عزّوجل او را وعده فرموده به امّت ها، این که جمع کند به وسیله او گفتار را و جمع گرداند به وسیله او پراکندگی را، و پر کند به واسطه او زمین را از عدل و داد...»(۱)

یهودیان مانند مسیحیان -که به بازگشت عیسی علیه السلام معتقدند به ظهور یک منجی می اندیشند و همان گونه که زرتشتیان در انتظار رجعت بهرام شاه اند، نصرانیان حبشی نیز چشم به راه ظهور پادشاه خود تئودور موعود هستند و هندوها نیز به خروج ویشنو دل بسته اند و مجوسی ها به زنده بودن هوشیدر اعتقاد راسخ دارند و بودایی ها منتظر باز آمدن بودا و اسپانیایی ها مترقب بزرگِ خود رودیک هستند و اقوام مغول هم رهبر خود چنگیز را منجی بزرگ می شمارند. همچنین ایده «ظهورمنجی» در مصر باستان هم رواج داشته است، همان گونه که در متون کهن چینی نیز دیده شده است.(۲)

۱- ۱۱۲. مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قمی رحمه الله ص ۹۵۶.

۲- ۱۱۳. المهدیه فی الاسلام، سعد محمّد حسن، صص ۴۳،۴۴؛ الامامه و قائم القیامه، دکتر مصطفی غالب،ص ۲۷۰، به نقل از؛ کتاب در انتظار ققنوس، علیزاده، مهدی، صص ۴۴،۴۵.

به حسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد

تو را در این سخن انکار کار ما نرسد

اگر چه حسن فروشان به جلوه آمده اند

کسی به حسن و ملاحت به یار ما نرسد

هزار نقش بر آید ز کلك صنع و یکی

به دل پذیری نقش نگار ما نرسد

علیرغم وجود مذاهب مختلف اسلامی همه مسلمانان طبق بشارت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله به ظهور امام مهدی علیه السلام اعتقاد راسخ دارند. بسیاری از علمای اهل سنت از قرن سوّم هجری تا امروز، بدین معنا تصریح کرده اند. جالب تر از آن، فتوای عده ای از فقهای ایشان است که مسلمان منکر ظهور مهدی علیه السلام را واجب القتل خوانده اند...

بر اساس همین واقعیت است که ابن خلدون - مورخ و جامعه شناس نامدار مسلمان از اعتقاد مسلمانان به ظهور حضرت مهدی علیه السلام این گونه یاد می کند:

«عقیده مشهور و رایج میان عموم اهل اسلام در طول سده های متمادی این بوده که ناگزیر باید مردی از خاندان نبوّت صلی الله علیه وآله در آخر الزّمان ظهور کند که دین خدا را یاری رساند و عدالت را پدیدار سازد تا امّت اسلامی از وی پیروی نمایند... او کسی است که مهدی علیه السلام نامیده می شود».(۱)

«...تحقق چنین اتفاق نظری میان پیروان ادیان گذشته و... بر اصل ایده منجی باوری، هیچ گاه ممکن نیست بدون مدرك و پشتوانه ای استوار و اصیل

۱- ۱۱۴. تاریخ ابن خلدون، ج ۱، فصل ۵۲، ص ۵۵۵، به نقل از؛ همان، ص ۴۶.

باشد (که برخی فریب خوردگان چنین پنداشته اند) زیرا نظایر چنین وحدت نظر جهان شمولی عادةً بدون وجود سند و دلیل عقل پسند و معتبر صورت نمی پذیرند... .

امّا با این همه باید گفت: بعید نیست که خاستگاه اعتقاد اهل کتاب به ظهور منجی در آخر الزّمان، بشارت کتاب های آسمانی ایشان به آمدن مهدی اهل بیت علیه السلام باشد - همان گونه که بشارت به نبوّت پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله در کتب ایشان آمده بود - لیکن پیروان هواپرست آن ادیان، از روی لجاجت و تکبّر، این بشارت را مخفی ساختند، مگر عده اندکی...

از جمله مواردی که ما را به سوی مدّعای پیش گفته رهنمون می گردد، فقراتی دراسفار تورات است که در آن ها به ظهور مهدی اهل بیت علیهم السلام در آخرالزمان اشاراتی رفته است. نمونه های زیر شایان توجه است:

۱. ابو محمّد الاردنی نویسنده عرب زبان از «سِفر ارمیا» چنین نقل می کند:

ای اسب ها به فراز آیید و ارّابه ها را از جای بر کنید. باید که سلحشوران به پا خیزند؛ کوش و قوط آن دو سپرگیر و لودیان آن کمان کشان، امروز روز آن آقاست که صاحب الامر سپاهیان است، امروز روز انتقام است، انتقام از دشمنان و بد خواهان وی... زیرا برای آن سرور... در سرزمین شمال و نزد رود فرات، یک قربانی مهیا گشته است.(۱)

۲. محقق اهل سنّت سعید ایوب، در کتاب خود المسیح الدّجال چنین آورده است:

کعب می گوید: در کتب پیامبران آمده است که در کردار مهدی هیچ عیب

۱- ۱۱۵. الکتاب المقدس تحت المجهر، ابومحمّد الاردنی، ص ۱۵۵، به نقل از همان، ص ۴۸.

و نقصی نیست. سپس خود سعید ایوب در پی نوشت آن می نویسد:

شهادت می دهم که این مطلب را به همین صورت در متون مقدسِ اهل کتاب یافته ام. اهل کتاب اخبار و روایات مهدی را چونان اخبار جَدّ بزرگوارش رسول اللَّه صلی الله علیه وآله دنبال کرده اند. اخبار «سِفر رؤیا» از بانویی یاد می کند که از نسل وی ۱۲ مرد به وجود می آید. سپس از بانوی دیگری نام می برد که دوازدهمین مرد را به دنیا می آورد و از نسل آن بانوی نخستین است و از احاطه خطرها به این خانم خبر می دهد... .(۱)

موارد دیگری در کتب مقدس سایر ادیان وجود دارد که به وعده الهی در مورد مهدی موعودعلیه السلام اشاره دارند، منتخبی از آن ها را مرور می کنیم:

الف) کتب مقدس یهودیان

در فصل هفتم کتاب «حیقوق» نبی آمده است:

«...و اگر چه تأخیر کند، برایش منتظر باش؛ زیرا البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد، بلکه جمیع امّت ها را نزد خویش جمع می کند و تمامی را برای خویش فراهم می سازد».

در فصل سوّم کتاب « صفیناه» نبی چنین می خوانیم:

«در آن وقت برگردانم به قوم ها، لب پاکیزه برای خواندن همه به نام خدای و عبادت کردن ایشان به یک روش».

ص:۸۷

۱- ۱۱۶. المسیح الدّجال، سعید ایوب، ص ۳۷۹،۳۸۰ {نقل از سفر رؤیا،۱۲،(۱۳}؛ به نقل از همان، ص ۴۹.

ب) اناجیل نصاری

در فصل دوازدهم انجیل «لوقا» این عبارت را می بینیم:

«کمرهای خود را بسته و چراغ های خود را افروخته دارید و مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کِشند... تا هر وقت بیاید و در را بکوبد، بی درنگ در را برای او باز کنید... زیرا در ساعتی که گمان نمی برید، پسر انسان می آید».

در فصل دوازدهم مکاشفات «یوحنای لاهوتی» آمده است:

«و آن مولود به منظر حفاظت قطعی از دستبرد اهریمنان، برای یک زمان و دو زمان و نصف زمان، از نظر پنهان شد».

ج) کتب مقدس زردشتیان

جاماسب در جاماسب نامه از قول «زرتشت» نبی چنین حکایت می کند:

«مردی بیرون آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم، مردی بزرگی سر، بزرگ تن و بزرگ ساق و بر آیین جَدِ خویش و با سپاه بسیار و روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را داد کند».

در ادامه، این فقره صریح و تکان دهنده را می خوانیم:

«و از فرزندان دختر آن پیامبر که خورشید جهان و شام [شاه]زمان نام دارد، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشینِ آخرِ آن پیغمبر باشد. در میان دنیا که مکه باشد و دولت او به قیامت متصل شود».

د - کتب مقدس هندوان

در کتاب «شاکمونی» آمده است:

ص:۸۸

«پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلایق دو جهان کشن بزرگوار تمام شود، او کسی باشد که بر کوه های شرق و غرب دنیا حکم براند و فرمان دهد... دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد و نام او ایستاده، (قائم) باشد». (۱)

چنانچه مقداری پیرامون توافق شگفت آور اکثر ملل بر عقیده منجی باوری اندیشه شود، به یقین این نتیجه به دست خواهد آمد که در ماورای عالم هستی، حکمت عظیم و شگرفی دست در تدبیر این جهان دارد که انسان برای مقاومت در برابر انحرافات و ستم ها و سرکشی هایی که مشاهده می کند تنها از آن مدد می طلبد و از آنجا که چنین انسان مؤمنی چشم امید به حاکمیت عدالت دوخته، هیچ گاه دچار یأس و سرخوردگی نمی شود.

امّا در خصوص اختلاف شرایع پیشین و ملل گذشته در تشخیص نام منجی موعود، نیز باید گفت چنین اختلافی هرگز نمی تواند موجب انکار بشارت رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه وآله باشد. به لحاظ این که خود شریعت مقدس اسلام این مسئولیت را برعهده گرفته و نام و نسب و ولادت و اوصاف و نحوه رفتار و منش او و همچنین نشانه ها و علائم ظهور و روش حکمرانی وی را برای مردم به دقت بیان فرموده، تا جایی که اخبار آن به حد تواتر رسیده و به علت کثرت راویان اهل سنت، انتشار در خور توجّهی یافته، به نحوی که بزرگان و حافظان حدیث و فقیهان عامه را به تصریح واداشته، که از میان اصحاب پیامبرصلی الله علیه وآله پنجاه نفر این احادیث را از حضرتش روایت کرده اند. برای مدلل

---

۱ - ۱۱۷. کتاب در انتظار ققنوس، علیزاده، مهدی، صص ۵۷ - ۵۸، (نقل از بشارت عهدین، محمّد صادقی، صفحات،،۲۳۷ ،۲۷۷،۲۷۳،۲۶۲،۲۴۳،۲۴۲،۲۴۱،۲۳۸.

ساختن اشتباه اهل کتاب و ملل مختلف در تعیین اسم منجی به دلیل دیگری نیاز نیست.(۱)

اینک به بیان اختلافی می پردازیم که در تعیین اسم امام مهدی علیه السلام میان امّت اسلامی و دو گروه شیعه و سنی وجود دارد. بی شک در این اختلاف هیچ مؤیدی برای پندار مستشرقان و مقلدان آن ها یافت نمی شود بلکه اتفاقاً وجود این اختلاف دلیلی خلل ناپذیر علیه آنان به شمار می رود زیرا چنین اختلافی ازقبیل نزاع بر سر جزئیات یک پدیده یقینی الوجود است. مانند اختلاف نظر فِرق مسلمانان بر سر قدیم یا حادث بودن قرآن کریم، در حالی که همگی ایشان یکپارچه بر کفر منکر قرآن حکم می رانند. سایر اختلافات ایشان در جزئیات برخی عقاید دیگر نیز چنین است.(۲)

مژده ایدل که مسیحا نفسی می آید

که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید

از غم و درد مکن ناله و فریاد که من

زده ام فالی و فریاد رسی می آید

ز آتش وادی ایمن نه منم خرّم و بس

موسی اینجا بامید قبسی می آید

ص:۹۰

۱- ۱۱۸. توضیح این که؛ مهدی موعودعلیه السلام در زبان های دیگر به «گرزاسیه»،«وشینو»،«ارتور»،«مهمید» و نامها و القاب دیگر خوانده شده است. به کتاب نجم الثاقب مراجعه شود. در آنجا بیش از یک صد و هشتاد اسم برای حضرت ذکر کرده است؛ به نقل از کتاب امامت و مهدویت، صافی گلپایگانی، لطف اللّه، ج ۲، ص ۲۶.

۲- ۱۱۹. اقتباس از؛ همان، ص ۵۱.

هیچکس نیست که در کوی تواش کاری نیست

هرکس اینجا بامید هوسی می آید

دوست را گر سر پرسیدن بیمار غم است

گو بیا خوش که هنوزش نفسی می آید

سیمای مهدی موعودعلیه السلام در آیینه ثقلین

منجی موعود در قرآن

در اینجا سؤالی مطرح می شود: مهـدویت اگر صـحت داشت، بایـد در قرآن کریم ذکری از آن به میان می آمـد، در حالی که حتی لفظ مهدی علیه السلام هم در آن کتاب آسمانی دیده نمی شود.

در پاسخ می گوییم:

اوّلاً لازم نیست هر موضوع صـحیحی با تمام خصوصـیات و مشـخصاتش در قرآن بیان شـده باشد. چه بسـیار مطالب صـحیح و درستی داریم که اصـلاً قرآن کریم متعرض آن نشـده، و چه بسـیار احکام و موضوعات کلی وجود دارنـد که قرآن کریم بیان داشته ولی جزئیات آن ها توسط ائمه اطهارعلیهم السلام به عنوان مفسر و مبین وحی بیان شده است.

ثانیاً آیاتی چنـد، در کتاب خـدا وجود دارنـد که نوید به روزی می دهند که حق پرسـتان و حزب اللّه و مؤمنان به دین و مردم شایسته جهان، قدرت و حکومت

روی زمین را به دست می گیرند و دین اسلام بر تمام ادیان غالب می گردد.(۱)

بدون شک قرآن، اعتقاد مسلمانان به ظهور حضرت مهدی علیه السلام را که به صورت متواتر از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآ...eاز طریق شیعه و سنی بیان شده، با آیاتی ولو به طور کلی و اجمال مورد تأیید قرار داده، آیاتی که توسط معصومین علیهم السلام به مهدی موعودعلیه السلام تفسیر شده است و بسیاری از مفسران نیز آن ها را بر امام مهدی علیه السلام تطبیق نموده اند.

و از سوی دیگر شکی نیست که بنابر نص حدیث ثقلین که نزد شیعه و سنی متواتر است، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام عِدل و همتای قرآن هستند، از این رو آیاتی را که ایشان بر ظهور مهدی موعودعلیه السلام حمل فرموده اند، دلیل قرآنی برای اثبات مهدویت محسوب می گردد.

به عنوان نمونه به چندین آیه اشاره می شود:

۱ - در سوره انبیا آیه ۱۰۵ می فرماید:

«ما بعد از آن که در تورات نوشته بودیم، در زبور نوشتیم که بندگان شایسته ما وارث زمین می شوند».(۲)

۲- در سوره نور آیه ۵۵ می فرماید:

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده اند و عمل شایسته انجام داده اند وعده داده که آنان را خلیفه زمین گرداند، چنان که گذشتگانشان را نیز قبلاً خلیفه گردانیده بود و دینی را که برایشان پسندیده است، استوار و نیرومند گرداند

ص:۹۲

۱- ۱۲۰. اقتباس از کتاب، دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۶۸.
۲- ۱۲۱. ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون».

و ترس شان را به ایمنی تبدیل کند تا مرا عبادت کنند و چیزی را شریک قرار ندهند».(۱)

۳- در سوره قصص آیه ۵ می فرماید:

«ما اراده کرده ایم که بر ضعفای زمین منّت نهاده، پیشوا و وارث زمینشان گردانیم».(۲)

۴- در سوره صف آیه ۹ می فرماید:

«او خدایی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا برتمام ادیان غالب گردد، اگر چه مشرکان را خوش نیاید».(۳)

و همچنین آیات ۳۳ سوره توبه، ۵۱ سوره سبأ، ۶۱ سوره زخرف و ۱۵ سوره تکویر و...

این آیات و آیات دیگر علاوه بر استقرار دین خدا در سراسر زمین، بر آینده درخشان عالم دلالت دارند و بر حسب معتبرترین مدارک و تفاسیر و احادیث به تحول بی سابقه و بی نظیر و انقلابی که به رهبری و قیام حضرت مهدی علیه السلام و امام منتظر و موعود انجام خواهد گرفت، تفسیر شده است که، تعداد زیادی از این احادیث در کتاب های اهل سنت روایت شده؛ مثل کتاب «شواهد التنزیل» حاکم حسکانی که در آن دویست و ده {۲۱۰} آیه را که در شأن اهل بیت نازل شده جمع آوری کرده و متجاوز از هزار و صد و شصت {۱۱۶۰} روایت در رابطه با این موضوع روایت نموده است.

---

۱ - ۱۲۲. وعد اللّه الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی لایشرکون بی شیئاً».

۲- ۱۲۳. و نرید ان نمنّ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین».

۳- ۱۲۴. هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه ولو کره المشرکون».

و از جمله محدثین نامدار و علمای بزرگ، سید هاشم بحرانی در جمع آوری آیاتی که مربوط به حضرت مهدی علیه السلام است، کتابی به نام «المحجه فیما نزل فی القائم الحجه» تألیف کرده است. وی در این کتاب متجاوز از یک صد {۱۰۰} آیه را با احادیثی که در تفسیر هریک وارد شده، ذکر فرموده است.

ای از درت بهشت برین کمتر آیتی

کوثر ز خاک مقدم پاکت روایتی

و الشمس ز آفتاب جمال تو پرتوی

و اللیل از سیاهی مویت کنایتی

اعجاز موسوی ز کمال تو شمه ای

انفاس عیسوی ز لبان تو آیتی

ای عدل ایزدی فکن از رخ حجاب را

کز عدل و داد نیست اثر جز حکایتی

چشم امید ما به تو ای رحمت خداست

بر بندگان خاک درت کن عنایتی

ماییم و ظلّ رایت لطف عمیم تو

فردا که هر کسی برود زیر رایتی

گر عاجزم ز مدح تو هرگز شگفت نیست

من ذرّه و تو مهر سپهر هدایتی(۱)

---

۱ - ۱۲۵. صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۴۸،۴۹. {اشعار از مرحوم آیه‌اللّه صافی، والد مکرم معظم له می باشد}.

مهدی موعودعلیه السلام در احادیث

تأملی زود گـذر در احادیث مربوط به امام مهـدی علیه السـلام در کتب مسـلمانان کافی است تا به متواتر بودن آن ها از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله یقین حاصل شود، به شکلی که کوچک ترین تردید باقی نماند، و لکن در این مختصر مجال ذکر آن احـادیث بـا آن حجم عظیم نیست، فقط آمار گونه به ذکر راویانی که احادیث مربوط به مهـدی موعودعلیه السـلام را در کتب خود آورده اند اشاره می کنیم:

الف) علما و محدثان اهل سنت، از متقدمین و متأخرین:

۱۶۴ تن از علماء اهل سنت در کتب خود احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام را نقل کرده اند.

ب - علماء و محدثان شیعه:

اینان نیز بسیارند که به لحاظ این که ایـده مهـدویت در نزد ایشان از اصول اعتقادی مذهب تشیع به شـمار می آید و به جهت اختصار نامی از ایشان نمی آوریم.(۱)

راویان احادیث المهدی علیه السلام از صحابه

بیش از ۵۰ تن از صـحابه رسـول اکرم صـلی الله علیه وآله احـادیث مربوط به امـام مهـدی علیه السـلام را روایت کرده انـد که نامشان در کتاب «در انتظار قفنوس» صـفحه ۶۸ و ۶۹ بیـان شـده، در صورت لزوم مراجعه شود، به جهت اختصار در اینجا بیان نشده

۱- ۱۲۶. ر.ک؛ در انتظار ققنوس، صص ۶۵ - ۹۰.

است.

در اینجا تنها به ذکر نام برخی از علماء بزرگ اهل سنت که بر صحت احادیث و تواتر آن ها تصریح نموده اند بسنده می شود.

علمایی همچون: امام ترمذی، امام بیهقی، امام بغوی، ابن کثیر، قرطبی مالکی، ابن تیمیه، حافظ ذهبی، گنجی شافعی، ابن کثیر و طبرانی و... .(۱)

اِخبار معصومین علیهم السلام از مهدی موعودعلیه السلام

بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه وآله موضوع مهدویت، در بین مسلمین و اصحاب ائمه اطهارعلیهم السلام شایع و مورد بحث بود. اهل بیت پیغمبرعلیهم السلام و حاملین علوم و اسرار نبوّت، که از همه کس، به اخبار و احادیث پیامبرصلی الله علیه وآله آشناتر بودند، در باره مهدی موعودعلیه السلام سخن می گفتند و به سئوالات پاسخ می دادند. در این خصوص از فاطمه زهراعلیها السلام و یازده امام علیهم السلام احادیث بسیاری (بالغ بر ۳۰۰ حدیث) به صراحت در خصوص ولادت، امامت، غیبت و ظهور مهدی موعودعلیه السلام در کتب معتبر شیعه بیان شده، که به علت اختصار فقط حدیثی جالب از امام حسن عسکری علیه السلام در خصوص فرزند بزرگوارشان امام مهدی علیه السلام بسنده می شود و برای مراجعه به بقیه روایات در پاورقی آدرس بیان می گردد.(۲)

امام حسن عسکری علیه السلام به موسی بن جعفر بغدادی فرمودند: «گویا شما را می بینم که در جانشین من اختلاف نموده اید ولی آگاه باشید هر کس به امام های بعد از پیغمبرصلی الله علیه وآله ایمان داشته باشد، اما امامت فرزند مرا منکر شود مانند کسی است که نبوّت تمام پیغمبران را قبول کند ولی پغمبری محمّد رسول خداصلی الله علیه وآله را انکار نماید، در صورتی که منکر آن حضرت مثل کسی است که تمام پیامبران را انکار کند، زیرا اطاعت آخرین امام ما مثل اطاعت اولین امام ماست. پس هرکس آخرین فرد ما را منکر شود

ص:۹۶

۱- ۱۲۷. ر.ک؛ کتاب در انتظار ققنوس، صص ۶۹ - ۹۰، ضمن بیان طرق احادیث، نام علمایی که بر صحت و تواتر این احادیث تصریح کرده اند نیز ذکر شده است.
۲- ۱۲۸. دادگستر جهان، امینی، ابراهیم، صص ۵۵ - ۶۰. به نقل از کتب معتبر.

مانند کسی است که اولین امام را انکار نموده باشد. بدانید که غیبت فرزندم به قدری طولانی می شود که مردم در شک واقع می شوند، مگر افرادی که خدا ایمانشان را نگهداری کند.(۱)

ولادت حضرت مهدی موعودعلیه السلام

در اینجا سؤالی مطرح می شود که با قبول اصل وجود حضرت مهدی علیه السلام که از موضوعات مسلم اسلام است، لیکن چه اشکالی دارد که بگوییم مهدی موعودعلیه السلام هنوز به دنیا نیامده و هر وقت اوضاع عمومی عالم مساعد شد، متولد خواهد شد؟!!

در پاسخ می گوییم در فصول گذشته به واسطه براهین عقلی و نقلی اثبات شد که هیچ عصر و زمانی، زمین از حجت قائم خداوند خالی نخواهد ماند و... که فقدان امام با انقراض نوع انسان، همراه خواهد بود.

چنانچه این حدیث شریف به حدیث ثقلین (که از طریق فریقین به تواتر بیان شده است) و حدیث معروف و متواتر نبوی شریف صلی الله علیه وآله «من مات ولم یعرف امام زمانه...» و حدیث خلفای دوازده گانه اضافه گردد، بوضوح روشن

۱- ۱۲۹. بحارالانوار،مرحوم مجلسی، ج ۵۱، ص ۱۶۰ و اثبات الهداه، ج ۶، ص ۴۲۷؛ به نقل از دادگسترجهان، ص ۵۹.

می گردد که اگر واقعاً مهـدی علیه السـلام متولـد نشـده باشـد، بی شک و تردیـد واجب خواهـد بود امام یازدهم (امام حسـن عسـکری علیه السـلام) تا الآن در قید حیات باشـند و نیز تا ظهور مهدی موعودعلیه السلام آن منجی عالم بشریت، زنده بمانند. این در حالی است که کسـی از مسـلمانان معتقـد به زنـده بودن ایشان نبوده، بلکه به تولد حضـرت مهدی علیه السـلام در سال ۲۵۵ ه.ق و شـهادت پدر بزرگوارشان در سال ۲۶۰ ه.ق و زنـده مانـدن فرزند ایشان تا هم اکنون معتقدند. برای اطلاع بیشتر از اعتراف علمـای اهـل سـنت به ولادت مهـدی موعودعلیه السـلام و شـهادت پـدر بزرگوارشـان رجوع کنیـد به کتاب در انتظار ققنوس صص ۱۶۰ تا ۱۶۶ منابع مفصلا بیان شده است.

معرفی مهدی موعودعلیه السلام

در اینجا به مناسبت به فهرستی از احادیث معرفی حضرت مهدی موعودعلیه السلام اشاره می شود:

- امامان دوازده نفرند، اولشان علی بن ابیطالب علیه السلام و آخرشان مهدی علیه السلام است. ۹۱ حدیث

- امامان دوازده نفرند، و آخرشان مهدی علیه السلام است. ۹۴ حدیث

- امامان دوازده نفرند، نه نفرشان از نسل حسین علیه السلام و نهمی آنان قائم علیه السلام است. ۱۰۷ حدیث

- مهدی علیه السلام از عترت پیغمبرصلی الله علیه وآله است. ۳۸۹ حدیث

- مهدی علیه السلام از اولاد علی علیه السلام است. ۲۱۴ حدیث

- مهدی علیه السلام از اولاد فاطمه علیها السلام است. ۱۹۲ حدیث

- مهدی علیه السلام از اولاد حسین علیه السلام است. ۱۸۵ حدیث

- مهدی علیه السلام نهمین از اولاد حسین علیه السلام است. ۱۴۸ حدیث

- مهدی علیه السلام از اولاد علی بن الحسین علیه السلام است. ۱۸۵ حدیث

- مهدی علیه السلام از اولاد امام محمّد باقرعلیه السلام است. ۱۰۳ حدیث

- مهدی علیه السلام از اولاد امام جعفر صادق علیه السلام است. ۱۰۳ حدیث

- مهدی علیه السلام ششمین اولاد امام جعفر صادق علیه السلام است. ۹۹ حدیث

- مهدی علیه السلام از اولاد موسی بن جعفرعلیه السلام است. ۱۰۱ حدیث

- مهدی علیه السلام پنجمین فرزند موسی بن جعفرعلیه السلام است. ۹۸ حدیث

- مهدی علیه السلام چهارمین اولاد علی بن موسی الرضاعلیه السلام است. ۹۵ حدیث

- مهدی علیه السلام سومین اولاد امام محمّد تقی علیه السلام است. ۹۰ حدیث

- مهدی علیه السلام از اولاد امام هادی علیه السلام است. ۹۰ حدیث

- مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. ۱۴۵ حدیث

- نام پدر مهدی علیه السلام حسن علیه السلام است. ۱۴۸ حدیث

- مهدی علیه السلام همنام و هم کنیه رسول خداصلی الله علیه وآله است. ۴۷ حدیث(۱)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمودند: مهدی موعودعلیه السلام از اولاد من و همنام و هم کنیه من می باشد، از حیث اخلاق و خلقت، شبیه ترین مردم به من است. غیبتی دارد که مردم در آن ایام سرگردان و گمراه می گردند. سپس مانند ستاره تابانی نمایان گشته، زمین را پر از عدل و داد می کند، چنان که از ظلم و ستم پر شده است.(۲)

ص:۹۹

۱- ۱۳۰. ر.ک؛ منتخب الاثر، تألیف حضرت آیه اللّه صافی گلپایگانی، عین این احصائیه موجود است.

۲- ۱۳۱. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، ص ۸۷؛ به نقل از بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۲.

چنـان که ملاحظه می فرماییـد این احادیث به صورتی مهـدی موعودعلیه السـلام را معرفی و توصـیف نموده انـد که جای هیچ گونه شک و تردیدی باقی نمانده است مگر برای آنان که فی قلوبهم مرض!!

باتوجه به این همه احادیث و اثبات امامت مهدی موعودعلیه السلام و احادیثی در خصوص غیبت حضرت و وظایف شیعیان در زمان خطیر غیبت و علائم ظهور آن حضـرت و... که در کتب مفصل مربوط به مهـدویت به تفصـیل آمـده و شواهد و مؤیدات تاریخی و صد در صد معتبر این دلیل، بسیار است که در این مختصر مجال بحث آن نیست، علی التحقیق در کمتر موضوعی از مسائـل اعتقادیماننـد اعتقاد به مهـدویت زمینه ایمان و یقین و باور و اسـتناد به احادیث و تواریـخ و مؤیـدات و شواهـد فراهم است.

بنابر این، اختصاراً ادله وجود آن حضرت و امامت ایشان را در چند دلیل می توان به طور خلاصه عنوان کرد:

۱- خبر شـخص امام حسن عسـکری علیه السـلام و خواص آن حضـرت و اعلامیه های ایشان به بعضی از نقاط شیعه نشین مثل قم.

۲- تشرّف صدها نفر به زیارت حضرت مهدی علیه السلام در عصر پدر بزرگوارش و عصر غیبت صغری و عصر غیبت کبری.

۳- صدور معجزات و کرامات بسیار از آن حضرت در اثر توسلات، یا ضمن تشرّف افراد و به گونه های دیگر.

۴- اخبار متواتر و بشارت های حضـرت رسول اکرم صـلی الله علیه وآله و ائمه اطهارعلیهم السلام در ضمن صدها حدیث معتبر که در کتاب هایی که قبل از ولادت آن حضرت و قبل از غیبت صغری تألیف شده، ضبط و روایت شده است.

ص:۱۰۰

۵- و بالاخره نقل تواریخ معتمد و کتاب های انساب، تا آنجا که بعضی از علمای عامه تشرّف به زیارت آن حضرت علیه السلام را ادعا کرده و در اظهار اشتیاق به سعادت دیدار و ظهور آن رهبر عدالت گستر اشعار سروده اند.

علاوه بر این دلایل، ادله دیگری نیز بر امامت آن حضرت اقامه شده است که به همین مقدار اکتفا می کنیم و علاقمندان را به کتاب های بزرگ، مانند «کمال الدین صدوق، غیبت نعمانی، غیبت شیخ طوسی، و منتخب الاثر، نجم الثاقب و کشف الاستار» و کتاب های دیگر ارجاع می دهیم. و از خداوند متعال تعجیل در فرج و ظهور امر آن حضرت علیه السلام و نجات جهان را از این نگرانی ها و اضطرابات و توطئه ها و جنایات شرق و غرب و رژیم ها و مکتب های منحرف مسئلت می نماییم.(۱)

در پایان متذکر می شود که ایمان و پیوند با ولایت، همانند نیت، باید در سراسر اعمال و رفتار و عبادات انسان، جریان مستمر داشته، و لحظه ای مورد غفلت قرار نگیرد. هرگاه که از تسلیم به ولایت غفلت کنیم، رابطه فیض و عنایت را میان خود و خدا نادیده گرفته ایم. و زیانش بسی بزرگ و جبران ناپذیر است.

بایستی همواره پناه به خدا ببریم و از درگاهش ثبات قدم در دین و پایداری در ولایت، حسن عاقبت و رستگاری دنیا و آخرت را در سایه ولایت و امامت ائمه هدی علیهم السلام طلب کنیم.

به عنوان حسن ختام کتاب، در این راستا به فرازهایی از دعای منقول از شیخ ابوعَمروقدس سره اولین نائب خاصّ امام عصرعلیه السلام که سیدبن طاوس رحمه الله در جمال الاسبوع، و مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمه الله به نقل از سید؛ در مفاتیح

ص:۱۰۱

۱- ۱۳۲. امامت و مهدویت، صافی گلپایگانی، لطف اللّه، ص ۹۴،۹۵.

الجنـان آن را ذکر فرمـوده، و به خوانـدن آن در زمـان غیبت امـام عصـرعلیه السـلام بسـیار سـفارش شـده است، تـوجه و دقت فرمایید:

«اَللّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَـکَ، فَـإنَّکَ إنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَـکَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِیـکَ. اَللَّهُمَّ عَرِّفْنِی رَسُولَـکَ، فَـإنَّکَ إنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی رَسُولَکَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَـکَ. اَللَّهُمَّ عَرِّفْنِی حُجَّتَـکَ، فَإنَّکَ إنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی حُجَّتَکَ، ضَـلَلْتُ عَنْ دِینی، اَللَّهُمَّ لاتُمِتْنِی مِیتَهً جاهِلِیهً، وَلاتُزِغْ قَلْبی بَعْـدَ إذْ هَـدَیتَنِی، اَللَّهُمَّ فَکَمـا هَـدَیتَنِی لِوِلایهِ مَنْ فَرَضْتَ عَلی طاعَتَهُ مِنْ وِلایهِ وُلاهِ أَمْرِکَ بَعْـدَ رَسُولِکَ، صَـلَواتُکَ عَلَیهِ وَآلِهِ،... فَثَبِّتْنِی عَلی دینِـکَ،... وَثَبِّتْنِی عَلی طـاعَهِ وَلِی أَمْرِکَ الَّذِی سَـتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِـکَ،... أَللَّهُمَّ لا تَجْعَلْنِی مِنْ خُصَـماءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیهِمُ السَّلامُ، وَلا تَجْعَلْنِی مِنْ أَعْـداءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیهِمُ السَّلامُ،... فَـإنِّی أَعُوذ بِـکَ مِنْ ذلِـکَ فَأَعِـذْنِی،... اَللَّهُمَ صَـلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِی بِهِمْ فآئِزاً عِنْدَکَ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِینَ، آمِینَ رَبَّ الْعالَمِینَ».(۱)

به پایان آمد این دفتر، حکایت همچنان باقی است.

شرح این هجران و این خون جگر

این زمان بگذار تا وقت دگر

ص:۱۰۲

۱– ۱۳۳. مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قم رحمه الله، ص ۱۰۶۶، دعاء در غیبت امام زمان علیه السلام چاپ تهران: انتشارات بلاغت، چ اول، ۱۳۷۹.

کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه آیهاللّه العظمی مکارم شیرازی.

۲. مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قمی رحمه الله، ترجمه، مرتضی احمدیان، با تصحیح پنج تن از فضلای حوزه علمیه قم، چاپ اول، تهران، انتشارات بلاغت، ۱۳۷۹ش.

۳. استادی، رضا،امامت، چاپ سوم، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۸ش.

۴. امینی، ابراهیم؛ دادگستر جهان؛ چ ۲۵، قم: انتشارات شفق، ۱۳۸۱.

۵. راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین محمّدبن الفضل، مفردات راغب، چاپ دوم، مصر، انتشارات نشرالکتاب، ۱۴۰۴ق.

۶. صافی گلپایگانی، لطف اللّه؛ امامت و مهدویت؛ چ ۲، قم: انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۸۰ ش.

۷. عمیدی، سید ثامر هاشم؛ در انتظار ققنوس؛ ترجمه و تحقیق: مهدی علیزاده؛ چ ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۹.(ترجمه کتاب عربی المهدی المنتظر فی الفکر الاسلامی).

۸. کلینی قدس سره، محمّدبن یعقوب، اصول کافی، ۴ جلدی، ترجمه و شرح سیدجواد مصطفوی، ج ۱،۲،۳، چاپ ششم، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، ۱۳۴۸ش.

ص:۱۰۳

۹. محمّدی ری شهری، محمّد، فلسفه امامت و رهبری، چاپ هشتم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ۱۳۷۱ش.

۱۰. مجلسی قدس سره، مولی محمّدباقر،مرآهالعقول فی شرح اخبار آل الرسول صلی الله علیه وآله - شرح اصول کافی، ۲۶ جلدی، تصحیح سیدهاشم رسولی، ج ۲، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ش.

۱۱. مجله انتظار، «فصلنامه»، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعودعلیه السلام، مجموعه مقالات، مقاله مبانی اعتقادی مهدویت{۱}،از استاد دانشمند سیدمسعود پور سید آقایی، چاپ دوم، قم، انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعودعلیه السلام پائیز ۱۳۸۰ش.

۱۲. مطهری قدس سره، مرتضی، امامت و رهبری، ویرایش دوم، چاپ ۲۴، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹ش.

۱۳. یثربی، سید یحیی، فلسفه امامت، چاپ اول، قم، انتشارات وثوق، ۱۳۷۸ ش.

ص:۱۰۴

کتابشناسی

کتب ذیل پیرامون موضوع مقاله حاضـر و بحث مهدویت می باشد در صورت تمایل برای استفاده بیشتر به آن ها مراجعه شود، مفید خواهد بود.

۱. حیـدری شاهرودی، عزیزاللّه؛ حضـرت مهـدی تجسّم امیـد و نجات؛ ویرایش: واحـد تحقیقات جمکران؛ چ ۲، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۱.

۲. خسروشاهی، سید هادی؛ مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت؛ چ ۲، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.

۳. خسـروی، موسـی؛ امام حجّه بن الحسن العسـکری صاحب الزمان؛ چ ۱، تهران: انتشارات کتاب فروشـی و چاپخانه اسـلامیه، ۱۳۶۰.

۴. صدر، سیدرضا؛ راه مهدی؛ به اهتمام سید باقر خسروشاهی؛ چ ۱، قم: انتشارت دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.

۵. صرفی، محمّدتقی؛ آیا به یاد امام زمان هستید؟؛ چ ۱، قم: انتشارات محدث، ۱۳۸۱.

۶. طبرسی نوری، میرزا حسین؛ نجم الثاقب؛ ویرایش: مسجد جمکران؛ چ ۴، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰.

۷. طبسی، نجم الدین؛ چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام؛ چ ۳، اوّل این ناشر، قم: بوستان کتاب قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.

۸. علامه مجلسی، محمّد باقر؛ مهدی موعود (ترجمه جلد ۱۳ بحار)؛ ج ۱؛ مترجم: حسن بن محمّد ولی ارومیه ای؛ چ ۲، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۹.

۹. مجموعه مقالات، تخصصی مهدویت مرکز قم؛ ره توشه مهدی یاوران؛ جمعی از محققان تخصصی مهدویت؛ چ ۱، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود، ۱۳۸۱.

۱۰. مرکز تخصصی مهدویت، جمعی از فضلا؛ مجله انتظار، ش ۴؛ مقاله: مجید حیدری نیک؛ چ ۱، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعودعلیه السلام، ۱۳۸۱.

۱۱. مرکز تخصصی مهدویت، جمعی از فضلا؛ مجله انتظار؛ ش ۲، مقاله: آقای رحیم کارگر؛ چ ۱، قم: بنیاد فرهنگی مهدی موعودعلیه السلام، ۱۳۸۰.

۱۲. مسجد مقدس جمکران قم، واحد تحقیقات؛ وظایف منتظران؛ چ ۲، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۹.

۱۳. مکارم شیرازی، ناصر؛ حکومت جهانی مهدی علیه السلام؛ چ ۱۱، قم: انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۰.

۱۴. مولوی نیا، محمّدجواد؛ شناخت امام عصرعلیه السلام؛ چ ۱، قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصرعلیه السلام، ۱۳۸۰.

ص:۱۰۶

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

۱۵ – قرآن کریم/چهار رنگ – گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای

۱۶ – قرآن کریم/نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

۱۷ – قرآن کریم/وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه

۱۸ – قرآن کریم/وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

۱۹ – قرآن کریم/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای

۲۰ – کلیات مفاتیح الجنان/عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران

۲۱ – کلیات مفاتیح الجنان/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای

۲۲ – منتخب مفاتیح الجنان/ (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای

۲۳ – منتخب مفاتیح الجنان/ جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای

۲۴ – نهج البلاغه/(وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله/محمد دشتی

۲۵ – صحیفه سجادیه ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای

۲۶ – ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۲۷ – آئینه اسرار حسین کریمی قمی

۲۸ – آثار گناه در زندگی و راه جبران علی اکبر صمدی

۲۹ – آخرین پناه محمود ترحمی

۳۰ – آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات

۳۱ – آشنایی با چهارده معصوم (۱و۲)/شعر و رنگ آمیزی سید حمید رضا موسوی

۳۲ – آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی

۳۳ – آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش

۳۴ – ارتباط با خدا واحد تحقیقات

۳۵ – از زلال ولایت واحد تحقیقات

۳۶ – اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۳۷ – امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش

ص:۱۰۷

۳۸ – امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات

۳۹ – امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق سید محمّد حسین کمالی

۴۰ – امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام(روسی) آلمات آبسالیکوف

۴۱ – امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی

۴۲ – امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۴۳ – انتظار بهار و باران واحد تحقیقات

۴۴ – انتظار و انسان معاصر عزیز اللّه حیدری

۴۵ – اهّمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی

۴۶ – با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی

۴۷ – بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی

۴۸ – بهتر از بهار/کودک شمسی (فاطمه) وفائی

۴۹ – پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی

۵۰ – پرچم هدایت محمد رضا اکبری

۵۱ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسم و خشونت طلبی علی اصغر رضوانی

۵۲ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و جهاد و برده داری علی اصغر رضوانی

۵۳ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق اقلیت ها و ارتداد علی اصغر رضوانی

۵۴ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق زن علی اصغر رضوانی

۵۵ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و صلح طلبی علی اصغر رضوانی

۵۶ – تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۵۷ – تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله/دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۵۸ – تاریخچه مسجد مقدس جمکران/(فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات

۵۹ – تاریخ سید الشهداءعلیه السلام شیخ عباس صفایی حائری

۶۰ – تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی

۶۱ – تشرف یافتگان (چهار دفتر) میرزا حسین طبرسی نوری

۶۲ – جلوه های پنهانی امام عصرعلیه السلام حسین علی پور

۶۳ – چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی

۶۴ – چهل حدیث /امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

ص:۱۰۸

۶۵ – چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله احمد سعیدی

۶۶ – حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی

۶۷ – حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۶۸ – ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش

۶۹ – خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری

۷۰ – خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی

۷۱ – خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۷۲ – دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی

۷۳ – داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۷۴ – داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی

۷۵ – در انتظار منجی (روسی) آلمات آبسالیکوف

۷۶ – در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی

۷۷ – در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای

۷۸ – دفاع از حریم امامت و ولایت(مختصر شب های پیشاور) کریم شنی

۷۹ – دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی

۸۰ – دین و آزادی محمّد حسین فهیم نیا

۸۱ – رجعت یا حیات دوباره احمد علی طاهری ورسی

۸۲ – رسول ترک محمد حسن سیف اللهی

۸۳ – روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرّازی

۸۴ – زیارت ناحیه مقدّسه واحد تحقیقات

۸۵ – سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی

۸۶ – سخنرانی مراجع در مسجد جمکران واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۸۷ – سرود سرخ انار الهه بهشتی

۸۸ – سقّا خود تشنه دیدار طهورا حیدری

۸۹ – سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۹۰ – سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی

۹۱ – سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی

ص:۱۰۹

۹۲ – سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام(دوجلدی) محمّد امینی گلستانی

۹۳ – سیمای مهدی موعودعلیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۹۴ – شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمّد حسین نائیجی

۹۵ – شمس وراء السحاب/ عربی السید جمال محمّد صالح

۹۶ – صبح فرا می رسد مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید

۹۷ – ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد اللّٰه هاشمی شهیدی

۹۸ – عاشورا تجلّی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی

۹۹ – عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۱۰۰ – عطر سیب حامد حجّتی

۱۰۱ – عقد الدرر فی أخبار المنتظرعلیه السلام/عربی المقدس الشافعی

۱۰۲ – علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات

۱۰۳ – علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

۱۰۴ – غدیرخم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی

۱۰۵ – غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۰۶ – فتنه وهابیت علی اصغر رضوانی

۱۰۷ – فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی

۱۰۸ – فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی

۱۰۹ – فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی

۱۱۰ – فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها(پخش) حسن صدری

۱۱۱ – فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی

۱۱۲ – فریادرس حسن محمودی

۱۱۳ – قصه های تربیتی محمّد رضا اکبری

۱۱۴ – کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۱۱۵ – کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۱۱۶ – کمال الدین وتمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله/منصور پهلوان

۱۱۷ – کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی

۱۱۸ – گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)

۱۱۹ – گفتمان مهدویت آیت اللَّه صافی گلپایگانی

۱۲۰ – گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی

۱۲۱ – مام فضیلت ها عباس اسماعیلی یزدی

۱۲۲ – مشکاة الانوار علّامه مجلسی رحمه الله

۱۲۳ – مفرد مذکر غائب علی مؤذنی

۱۲۴ – مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی/ حائری قزوینی

۱۲۵ – منازل الآخره، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله

۱۲۶ – منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی

۱۲۷ – منشور نینوا مجید حیدری فر

۱۲۸ – موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۲۹ – مهدی علیه السلام تجسّم امید و نجات عزیز اللَّه حیدری

۱۳۰ – مهدی منتظرعلیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب

۱۳۱ – مهدی موعودعلیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار – دو جلد علّامه مجلسی رحمه الله/ارومیه ای

۱۳۲ – مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی

۱۳۳ – مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی

۱۳۴ – میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی

۱۳۵ – ناپیدا ولی با ما / (فارسی ،ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات

۱۳۶ – نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۳۷ – نجم الثاقب(دوجلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۳۸ – ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۳۹ – نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی

۱۴۰ – نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده

۱۴۱ – نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۴۲ – نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۴۳ – نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمّد رضا اکبری

۱۴۴ – و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی

۱۴۵ – واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

ص:۱۱۱

۱۴۶ – وظایف منتظران واحد تحقیقات

۱۴۷ – ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری

۱۴۸ – هدیه احمدیه/(جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

۱۴۹ – همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی

۱۵۰ – یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی

۱۵۱ – یار غائب از نظر(مجموعه اشعار) محمد حجّتی

۱۵۲ – ینابیع الحکمه/عربی – پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم – صندوق پستی ۶۱۷ ، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ – ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۶۶۹۳۹۰۸۳ ، ۶۶۹۲۸۶۸۷ – ۰۲۱

یزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۲-۶۲۸۰۶۷۱ – ۰۳۵۱

فریدونکار: ۱۴ – ۵۶۶۴۲۱۲ – ۰۱۲۲

۱۴ زینگ ۱۱۲ صفحه انتهای صفحه بندی

نام کتاب: نیاز جهان به امام زمان علیه السلام

مؤلف: محمّد مولوی

ناشر: انتشارات مسجد مقدّس جمکران

تاریخ نشر: زمستان ۱۳۸۵

نوبت چاپ: اول

چاپ: سرور

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

شابک: ۱ - ۰۱۴ - ۹۷۳ - ۹۶۴

قیمت: ۶۵۰ تومان

مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدّس جمکران

فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدّس جمکران

تلفن و نمابر: ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱

قم - صندوق پستی: ۶۱۷

ص:۱۱۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹